

گزارش سفر مصر  
در اواخر مهرماه ۱۳۸۱ش  
اکتبر ۲۰۰۲م  
بخش نخست

# طلوع مجدد آفتاب از ساحل اسکندریه

## پس از ۱۶ قرن

کتابخانه قدیم اسکندریه و گزارش مراسم رسمی افتتاح ساختمان نوین آن

سید محمود مرعشی نجفی

### کتابخانه قدیم اسکندریه

اسکندریه<sup>۱</sup> از شهرها و بندرهای کهن جهان است و بنیاد آن به زمان اسکندر مقدونی<sup>۲</sup> و سال ۳۳۱ پیش از میلاد بازمی‌گردد. وی در سال ۳۲۳ پیش از میلاد، یکی از یاران و فرماندهان ارشد خود را به نام بطلمیوس سوتر (بطلمیوس اول) برگزید تا به عنوان والی او در شهر اسکندریه، به صورت مستقل و مقتدرانه بر آن سرزمین فرمان براند، همان گونه که فراغنه بر سرزمین مصر حکومت می‌کردند.

بطلمیوس سوتر (۳۶۰ - ۲۸۳ پیش از میلاد)، مؤسس سلسله لاگیان یا بطالسه، از سال ۳۲۳ تا ۳۰۵ پیش از میلاد، به عنوان والی مصر از جانب اسکندر و جانشین او، حکومت کرد. او پس از شکست خوردن آنتی‌گونوس مونوفتالموس<sup>۳</sup> در ایپسوس (افسوس)<sup>۴</sup>، با عنوان پادشاهی، از سال ۳۰۵ تا ۲۸۵ پیش از میلاد، بر مصر و سوریه فرمانروایی کرد.

۱. شهر و بندر اسکندریه در کشور مصر و در غرب مصب رود نیل واقع است. تاریخ تأسیس آن به فرمان اسکندر مقدونی، در قرن چهارم پیش از میلاد، بوده است. اسکندریه را عروس دریای سفید متوسط خوانده‌اند. این شهر در حال حاضر، دومین شهر بزرگ مصر به شمار می‌آید. کشور مصر که خود زمانی مرکز تمدن و فرهنگ درخشان مشرق زمین و مقر حکومت فراغنه بود، از زمان گشایش آن به وسیله اسکندر و تأسیس شهر اسکندریه در آن، به تدریج به صورت جزوی از قلمرو تمدن مغرب زمین و فرهنگ یونان درآمد. پس از گذشت حدود سه قرن و با هجوم سزار قیصر روم و سربازانش به آن سرزمین و فتح آن، این کشور پایگاهی برای فرهنگ یونانی-رومی درآمد. مجدداً با گذشت نزدیک به هفت سده و فتح آن به وسیله مسلمانان، یکی از کشورهای مهم جهان اسلام شد. از مشهورترین بنیادهای مهم این شهر آکادمی و کتابخانه بزرگ آن و نیز منارة البحر «آئینه سکندر» است که چهارصدگام و یا ۱۴۰ متر ارتفاع داشته است.

یاقوت حموی در معجم البلدان، مقدسی در احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ابن جبیر در کتاب الرحلة، سیوطی در حسن المعاصرة، مقریزی در خطط، ابن ظهیرة در الفضائل الباهرة فی محاسن مصر و القاهرة، بلاذری در فتوح البلدان و علی پاشا مبارک در الخطط التوفیقیة، در مورد این شهر تاریخی بخشی از نگاهشده‌های خود را به اسکندریه اختصاص داده‌اند. همچنین ابن بطوطه - جهانگرد برجسته مسلمان - در کتاب الرحله توصیف آن شهر را آورده است. تاریخ‌نگاران آورده‌اند که اسکندر ۱۳ شهر به نام اسکندریه ساخته است و به مرور زمان، نام هر یک تغییر کرده است که از آن جمله‌اند: اسکندریه هند، اسکندریه ساورنقوس، اسکندریه جالیقوس، اسکندریه سفویاسیس، اسکندریه بابل، اسکندریه صغد در سمرقند، اسکندریه مرو، اسکندریه بلخ، اسکندریه بین حلب و حماة سوریه و اسکندریه بین مکه و مدینه.

۲. اسکندر مقدونی (۳۵۵ - ۳۲۳ پیش از میلاد)، پسر فیلیپ (فیلیپس)، در بیست سالگی، پس از مرگ پدر، بر تخت سلطنت مقدونیه جلوس کرد. او که متأثر از فرهنگ یونان بود و روحش با اساطیر یونانی عجین گشته بود، از کودکی به آنان عشق می‌ورزید و همیشه آرزو داشت تا یکی از آنان باشد. وی مردی باهوش و مطلع از آداب و علوم عصر و دارای عزمی قوی و همتی بلند بود. مدتی را نزد دانشمند بزرگ آن عصر - معلم اول (ارسطو) - تلمذ کرده و از همان زمان اندیشه گسترش و توسعه این آداب و فرهنگ را در دیگر سرزمینها، در سر پروارنده بود. در همین راستا به هنگام گشایش کشور مصر، شهر اسکندریه را در آن بی‌افکند و آن را مقر گسترش این علوم در مشرق زمین قرار داد. او متجاوز از شصت شهر به نام اسکندریه در نقاط مختلف جهان بنا نهاد که مشهورترین آنها همان اسکندریه مصر است. وی در ۳۲ سالگی بر اثر بیماری درگذشت و جنازه‌اش به اسکندریه منتقل و در همان شهر مدفون گشت.

۳. وی یکی از سرداران اسکندر مقدونی است که در سال ۳۰۶ پیش از میلاد به پادشاهی مقدونیه رسید. او کوشید که در آسیا و متصرفات اسکندر، امپراتوری بزرگی ایجاد کند؛ ولی به سال ۳۰۱ پیش از میلاد، در ایپسوس مغلوب و مقتول گردید.

۴. شهری قدیمی در ایونیه، واقع در ساحل دریای اژه که معبد آرتیمیس - از عجایب هفتگانه جهان - در آن واقع شده بود و طبق روایات اسلامی، غار اصحاب کهف نیز در همین شهر است. در سال ۳۰۱ پیش از میلاد جنگ بزرگی بین سرداران اسکندر در همین مکان اتفاق افتاد و آنتی‌گوس مغلوب سلوکوس و لیزیماک گردیده، مقتول گشت.

مجموعه گرانبهای آن در آتش جهل و نادانی سوخت. آنچه پس از این حادثه باقی ماند، به بخش کوچک‌تر این کتابخانه، که در معبد سارابیس قرار داشت، انتقال یافت و از آن پس آنجا مرکز اصلی کتابخانه شد.

۲. در قرن سوم میلادی و در زمان اورلیانوس،<sup>۳</sup> مجدداً موزه و کتابخانه اسکندریه، در خلال جنگهای داخلی اسکندریه، آسیب فراوان دید و بر اثر آن، معبد سارابیس ویران شد و مقدار معتناهی از مجموعه نفیس کتابخانه آن از بین رفت.

۳. در منابع تاریخی نیز آمده است که در سال ۶۴۲ میلادی، به هنگام فتح مصر از سوی مسلمانان به سرپرستی عمرو بن عاص، در زمان فتح عمر بن الخطاب، به دلایل واهی دوباره صدمه‌ای جبران‌ناپذیر به این کتابخانه وارد شد و کتابهای آن به آتش کشیده شد و موجودی نفیس آن از میان رفت؛ اما بسیاری از نویسندگان مسلمان عرب، مسیحیان معاصر و نیز خاورشناسان، صحت این مطلب را به شدت نفی کرده، و بنابه دلایلی که آورده‌اند، ادعا کرده‌اند که مسلمین نه تنها این کتابخانه را به آتش نکشیده‌اند، بلکه از آن به خوبی

وی در آبادانی و زیبایی اسکندریه بسیار کوشید و از جمله به امر او آکادمی و کتابخانه‌ای عظیم در اسکندریه تأسیس شد که صیت شهرتش سراسر گیتی را درنوردید. این کتابخانه در سال ۲۹۵ پیش از میلاد، زیر نظر دیمتریوس فالیرون - شاگرد ارسطو و مشاور فرهنگی بطلمیوس - پی‌افکنده شد. بر مجموعه نفیس و گرانبهای این کتابخانه افزوده گشت تا اینکه در زمان فیلاذلفوس (بطلمیوس دوم)<sup>۱</sup> به اوج خود رسید و غنایی بسیار یافت. برخی از مورخان، به اشتباه، وی را مؤسس کتابخانه اسکندریه دانسته‌اند در حالی که صحت ندارد و مؤسس این کتابخانه، همان بطلمیوس سوتر است.

این کتابخانه در دویخش مجزا و دور از هم استقرار یافته بود: یک مجموعه اصلی و بزرگ‌تر که در منطقه بروکیوم قرار داشته و ملحق به آکادمی و کاخهای سلطنتی بطالسه بوده است. و به همین جهت با نام «بروکیوم» متمایز می‌شده است. نفیس‌ترین و بیشترین مجموعه کتابخانه اسکندریه، در همین بخش نگاهداری می‌شده است. همچنین، این بخش دارای سالنهای بحث، تدریس و تحقیق بوده که دانشمندان در آن گرد آمده و به حقایق از علوم، که تا آن زمان برای بشر مجهول ماند بود، دست یافته و زوایای تاریک آن را روشنی می‌بخشیدند.

بطالسه که خود از علم بی‌بهره نبودند، دانشمندان و عالمان را بسیار گرامی داشته و آنان را در آکادمی و حتی کاخهای اختصاصی خود سکنتی می‌دادند تا در جوار آن اندیشمندان، از معلومات آنان استفاده کرده و بهره‌ها ببرند.

دو مجموعه فرعی و کوچک‌تر که وابسته به مجموعه اول بوده و در معبد سارابیس قرار داشت و لذا به نام معبد «سارابیس» خوانده می‌شد. این مجموعه شامل ۴۳ هزار کتاب از رولهای پوستی قدیمی و پاپیروس بوده است. گفته می‌شود مجموعه این دو کتابخانه، روی هم، ۹۰۰ هزار جلد کتاب و پاپیروس بوده و فهارس کتابهایش به ۱۲۰ جلد می‌رسیده است.

متأسفانه در کنار این شکوفایی و عظمت و توسعه روزافزون، کتابخانه اسکندریه حوادث تلخی را تجربه کرده است. از مهم‌ترین حوادثی که این کتابخانه به خود دیده است، می‌توان این وقایع را برشمرد:

۱. در سال ۴۷ پیش از میلاد و به هنگام فتح اسکندریه به وسیله سزار<sup>۲</sup> قیصر روم و عمال او حادثه بسیار ناگواری به وقوع پیوست که در نتیجه آن، کتابخانه به آتش کشیده شد و

۱. بطلمیوس دوم، ملقب به محب الاخ (دوستدار برادر)، پادشاه مصر (۲۸۵ - ۲۴۶ پیش از میلاد)، حامی ادبیات و جهاننداری شایسته بود. بر اساس آنچه مورخان آورده‌اند، وی دستور داد که عهد عتیق را از عبری به یونانی ترجمه کنند. و این همان هفتادکرد (سبعینیه) است. بنای مناره اسکندریه (آئینه سکندر) نیز به او منسوب است.

۲. ژولیوس سزار (۱۰۱ - ۴۴ پیش از میلاد)، قیصر روم. وی یکی از افراد قبیله مشهور ژانس ژولیا بود که خود را از نسل زهره می‌دانست. او هوشی تند و نافذ، جاذبه‌ای فریبنده، فصاحتی متقن و در زیر ظاهر لطف‌آمیز و ملایم، و قدرتی شکست‌ناپذیر داشت. وی می‌توانست به دلخواه خود خطیب، نویسنده و مرد لشکر و کشور باشد. در سال ۶۵ پیش از میلاد به ریاست شهرداری انتخاب شد و در سال ۵۹ پیش از میلاد به مقام کنسولی رسید. در سال ۵۸ پیش از میلاد به طرف کشور گل (فرانسه) حرکت کرد و تا سال ۵۱ پیش از میلاد، آن سرزمین را به کلی مسخر ساخت. در سال ۴۹ پیش از میلاد از قلمرو حکومت خود گذشت و وارد ایتالیا شد و بدون زحمت و خونریزی صاحب اختیار رم و همه ایتالیا شد. او به تعقیب پمپوس - فرمانروای پیشین روم - پرداخت و پس از چند بار شکست دادن سپاهیان وی، پمپوس به مصر گریخت و سزار نیز با تعقیب او وارد مصر شد و شنید که وزرای مصری وی را به قتل رسانده‌اند. در آن هنگام پادشاه جوان مصر - بطلمیوس دوازدهم - و خواهرش - کلئوپاترا - بر سر تاج و تخت منازعه داشتند که سزار از کلئوپاترا طرفداری کرد. عاقبت سزار را در روز عید مریخ (۱۵ مارس ۴۴ پیش از میلاد)، در سنای روم به قتل رساندند.

۳. اورلیانوس (۲۱۴ - ۲۷۵ م)، امپراتور روم. وی از سال ۲۷۰ - ۲۷۵ میلادی فرمانروای روم بود و هموست که شهر رم را با دیوارهایی که امروزه هم موجود است، حصار کرد.

نگاهداری نموده و در عصر بنی عباس بیشتر کتابهای آن را به عربی ترجمه و چون میراث خود تحت‌الحفظ قرار داده‌اند. اینک به بررسی بیشتر این موضوع خواهیم پرداخت.

### بررسی آتش‌سوزی کتابخانه بزرگ اسکندریه

در برخی منابع تاریخی آمده است: هنگامی که عمرو عاص وارد اسکندریه شد به دانشمندی به نام یحیی نحوی (گراما طیقی) حمله‌ور گردید و به همین علت مسیحیان وی را از کلیسا اخراج کردند و مقام اسقفی او را از وی باز پس گرفتند. شاید به همین علت مورد عفو عمرو عاص قرار گرفت. زمانی که آن منطقه از سوی مسلمانان فتح شد، یحیی که از ملازمان عمرو عاص شد، گفت حال که شما تمامی مناطق اسکندریه را تصرف نموده‌اید، ما با تو معارضه‌ای نخواهیم داشت و هر چه را که نیاز نداری برای ما بگذار. آن‌گاه عمرو عاص او سؤال کرد چه می‌خواهی؟ وی اظهار داشت: کتابهای حکمت که در خزانه پادشاهی موجود است، زیرا به آنها احتیاج داریم. مجدداً عمرو عاص سؤال نمود چه کسی آنها را جمع‌آوری کرده است؟ وی گفت: «بطلوماؤوس فیلادلفوس». سرانجام کتابهای آنجا ۵۴۱۲۰ جلد گردید. آن‌گاه که خبر به شاه رسید، از خزانه‌دار سؤال کرد آیا این همه کتابهای جهان است یا نه؟ وی اظهار داشت: هنوز کتابهای فراوانی در سند و هند، فارس، جرجان، ارمان، موصل و رم موجود می‌باشد. شاه متعجب شد و او را به ادامه جمع‌آوری تشویق نمود.

این‌کار تا درگذشت شاه ادامه یافت و این کتابها نسل بعد نسل محفوظ ماند. عمرو عاص از این همت والا شگفت‌زده شد و گفت: بایستی از خلیفه دوم (عمر بن الخطاب) کسب تکلیف کنم. سپس پاسخ آمد: هر کتاب که در آن نام خداوند آمده باشد، کتاب خداوند اولویت دارد و اگر مخالف آنچه در قرآن آمده، آن را نابود ساز. آن‌گاه عمرو عاص بسیاری از کتابهایی را که مخالف اسلام بود برای سوخت به حمامهای عمومی شهر تحویل داد.

نخستین تاریخ‌نگاری که این داستان را آورده است، موفق‌الدین عبداللطیف بن یوسف بن محمد بن علی شافعی بغدادی متوفی ۶۲۲ هـ از مریدان صلاح‌الدین ایوبی بوده است. پس از بغدادی، این روایت را برخی نقل کرده‌اند؛ از جمله جمال‌الدین ابوالحسن علی بن یوسف بن ابراهیم القفطی متوفی ۶۴۶ هـ که در حلب مدتی قضاوت داشته و به نام القاضی

الاکرم معروف بوده است. سومین نفر، ابوالفرج بن هارون مالطی معروف به ابن العبری متوفی ۶۸۴ هـ این روایت را نقل نموده است. سپس آن را عده‌ای دیگر، همچون مقریزی و حاجی خلیفه، و از معاصران جرجی زیدان نقل کرده‌اند. البته بایستی اذعان کرد شاید منابع دیگری قبل از بغدادی، قفطی و ابن العبری این روایت را نقل نموده باشند، زیرا هر آنچه به ما رسیده مربوط به سده‌های ۶ و ۷ هجری به بعد است و میان آن تاریخ تا سده نخستین، ۵۰۰ - ۶۰۰ سال فاصله وجود دارد، چرا که عقل سلیم حکم می‌کند که این روایت نمی‌تواند جعلی باشد و منابعی قبل از آنها وجود داشته که از آنها نقل کرده‌اند. این احتمال نیز وجود دارد که منابع قبلی در آتش‌سوزی کتابخانه‌ها از میان رفته‌اند.

عبداللطیف بغدادی زمانی که از مصر در اواخر سده ۶ هـ دیدن می‌کرد، مطالبی در مورد شهرهای آن دیار و نیز آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه در کتاب مشهور خود الافادة والاعتبار و الامور المشاهدة والحوادث المعاینه بأرض مصر، با این عبارت آورده است: «اطراف عمود سواری، برخی ستونهای سالم و برخی را شکسته دیدم و چنین به نظر می‌رسد که دارای سقف بوده و آن سقف بر این ستونها مستقر بوده‌اند و بر روی آنها نیز گنبدی قرار داشته و می‌بینم که این مکان محل آموزشهای علمی ارسطو و دار و دسته او و پس از او بوده است. و این دارالعلم را اسکندر به هنگام ساخت شهر خود آن را بنیاد کرده و در آنجا خزانه علمی قرار داد که عمرو عاص با دستور عمر بن الخطاب آن را به آتش کشید».

قفطی، معاصر بغدادی، این روایت را با تفصیل بیشتری نقل می‌کند که بایستی گفت هر دو آنان از منابع قبل از خودشان نقل کرده‌اند. قفطی این واقعه را در کتاب تاریخ الحکما در ذیل نام یحیی نحوی آورده است. آنچه از کلام قفطی برمی‌آید آنکه این داستان خودساخته نبوده، بلکه آن را از منابع قبل از خود نقل نموده است، لیکن مشکل اینجاست که متن مفصل قفطی شاید گزیده‌ای از متون گذشته باشد. پس از وی ابوالفرج بن هارون ملطی مشهور به ابن عبری<sup>۱</sup> مؤلف تاریخ مختصر الدول

۱. وی یهودی الاصل و پدرش مسیحی بوده و سرانجام یک مسیحی شد و به مقام بالای اسقفی رسید. او کتابی در تاریخ سریانی برگرفته از آثار یونانی، فارسی، عربی و سریانی نگاشت و از آن کتابی به عربی با عنوان تاریخ مختصر الدول نگاشته و این روایت در آن آمده است.

دنبال اخترشناسی باشی یا اخلاق، دنبال قانون رب مجید باش. **دوم:** مسلمانان در سده‌های نخست هجرت با کتابخانه‌ها آشنایی داشتند، چنانکه ابن ندیم در چند نوبت در کتاب الفهرست یادآور شده است. در مورد یحیی نحوی نیز در بیش از یک مورد نام برده و به هنگام صحبت، از فیلسوفی به نام اسحاق راهب نام برده که در فلسفه یونان و تاریخ و اخبار رومیان و ادبیات آنان پژوهشهایی داشته است.

آنچه ابن ندیم در باره تأسیس کتابخانه اسکندریه از سوی «زمیره» آورده است، تفاوتی با آنچه ابن قفطی آورد، ندارد. وی گوید: بطولوماوس فیلادلفوس از شاهان اسکندریه شخصی به نام زمیره را مأمور جمع‌آوری آثار علمی نمود...

به نظر اینجانب، ابن قفطی گزارش این داستان را از ابن ندیم نیاورده، زیرا ابن قفطی افزودگیهایی دارد، ولی ابن ندیم در مورد آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه مطلبی نیاورده است. احتمالاً ابن ندیم از منبعی دیگر که در آن زمان در کتابخانه بیت‌الحکمه در بغداد بوده، استفاده نموده است؛ همچنان که ابن قفطی از آن استفاده کرده است، زیرا بیت‌الحکمه تا نیمه سده ۷ هـ دایر بوده است و قبل از آنکه قوم تاتار آن را به آتش بسوزانند، به نظر برخی اعراب خبر آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه را از اخبار یونانیها در سده ۲ و ۳ هـ آورده‌اند.

**سوم:** مسلمانان عرب کتابهایی را از یحیی نحوی در سده ۲ و ۳ هجری ترجمه کرده بودند و ابن ندیم در باره او در کتاب الفهرست آورده است که یحیی شاگرد شاورای اسقف برخی کلیساهای مصر و قائل به مذهب مسیحیان یعقوبی بوده است. هنگامی که مسیحیت تحریف شد، وی با آنها به مناظره پرداخت و در نتیجه اسقف شاورای او را از کار برکنار کرد و تا ورود عمرو عاص به مصر در همان اسکندریه ماند.

**ردّ انتساب آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه به وسیله اعراب مسلمان**  
کسانی که آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه را از سوی اعراب ردّ کرده‌اند، دلائلی ارائه نموده‌اند که به ترتیب زیر آنها را بر می‌شماریم:

۱. هنگامی که اعراب وارد اسکندریه شدند، هیچ یک از کتابخانه‌های بزرگ و حتی کتابخانه‌های معبد قیصرون وجود نداشت و می‌بایست قرن‌ها قبل از ورود اعراب مسلمان، از بین رفته باشد، و چنانچه کتابخانه اسکندریه قبل از ورود

از قفطی به صورت حرف به حرف نقل نموده است. متأسفانه برخی نویسندگان چنین پنداشته‌اند که ابن عبری نخستین فردی است که قائل به این روایت بوده است.

مقریزی در کتاب الخطط خود این روایت را به طور کامل نقل نموده است. همچنین حاجی خلیفه در کتاب کشف‌الظنون گزیده‌ای از آن را آورده و گوید: اعراب در صدر اسلام به علمی که به زبان خود و یا کیش خودشان نبود، ایمان نداشتند. و گفته می‌شود آنچه از کتابهای دیگران در فتح شهرهای مختلف به دست می‌آوردند، به آتش می‌کشیدند. وی اشاره‌ای به فرمان عمر بن خطاب مبنی بر آتش زدن نموده است و چنین برمی‌آید که در همه مکانهای فتح شده از سوی مسلمانان این داستان وجود داشته است.

جرجی زیدان در اواخر سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰ میلادی (سده ۱۴ هجری) به این موضوع بیشتر پرداخته و نخست جزو تکذیب‌کنندگان داستان و پس از بررسی، جزو تأییدکنندگان آن بوده است. وی تلاش کرده است ابن عبری را از اتهام ساختن این روایت مبری کند. برای اطلاع بیشتر به جلد سوم تاریخ تمدن اسلامی از جرجی زیدان مراجعه شود.

در غرب نیز از سده ۱۷ میلادی به بعد، نویسندگان دو دسته شدند؛ یکی موافق و دیگری مخالف آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه از سوی اعراب مسلمان. مشکل زمانی آغاز شد که خبر آتش‌سوزی از سوی خود اعراب نقل شد؛ چنانچه اعراب آن را بیان نمی‌کردند، صفحه کتابخانه اسکندریه و آتش‌سوزی آن در تاریخ بسته می‌شد؛ همچون کتابخانه رامیس دوم و نظایر آن.

قبل از آنکه به دلائل دو گروه پردازیم، لازم است به سه موضوع مهم اشاره‌ای داشته باشیم:

**نخست:** پاسخ عمر بن خطاب به عمرو عاص در مورد کتابهایی که در باره کتاب خدا نگاشته شده این بود که کتاب خداوند افضل است و اگر با آن مغایر و مخالف باشد آنها را معدوم کند. این پاسخ در زمان مسیحیان نیز، مجوزی برای آتش زدن کتابها شده بود (قبل از متهم ساختن مسلمانان به آتش‌سوزی). و در برخی آثار آنان آمده است که در کتاب مقدس همه چیز قید شده و نیازی به کتاب دیگر وجود ندارد، چنانچه در مورد تاریخ جستجو می‌کنی، به سفرنامه شاهان مراجعه کن. اگر دنبال بلاغت بودی، سفرنامه‌های انبیا را مطالعه کن. اگر دنبال شعر هستی، مزامیر را بررسی کن. اگر

کتابت شده باشد. و در این صورت، عمرو عاص نمی‌توانست با آن سرعت در مدت اندک آنها را بسوزاند، زیرا محیط خاص برای این کار لازم بود.

۷. دین اسلام به علم و اهمیت دادن به آن تأکید دارد، آیات قرآنی و احادیث نبوی آن را تأیید می‌کند، حاکمان اسلامی در طول تاریخ اسلام همواره به تأسیس و بنیاد کتابخانه‌ها اهتمام داشته و حرکت ترجمه و نشر را گسترش داده‌اند و به مؤلفان و مترجمان برای خلق آثارشان طلا و نقره می‌بخشیدند؛ بنابراین آتش زدن کتابخانه و کتاب مخالف اصول اسلامی است.

۸. مرحوم آیت‌الله شهید مرتضی مطهری نیز در کتاب کتاب‌سوزی ایران و مصر نظریات مشابهی دارد که نظر به اهمیت آن بخشی از آن را به شرح زیر می‌آوریم:

کتابخانه اسکندریه را بت پرستان و مشرکان تأسیس کردند و مسیحیان آن را از بین بردند، ولی بعد از جنگهای صلیبی میان مسیحیان و مسلمین که در حدود دویست سال طول کشید (قرن پنجم و ششم هجری) مسیحیان از یک طرف با تمدن و فرهنگ اسلامی آشنا شدند و این تمدن به آنها آگاهی داد، و از طرف دیگر پس از شکست نهایی از مسلمین، سخت‌کینه مسلمین را در دل‌های خود پختند و به جنگ اعصاب علیه مسلمین دست زدند.

آن اندازه علیه اسلام و قرآن و رسول اکرم(ص) و مسلمانان شایعه ساختند که موجب شرمساری متمدنهای مسیحی قرون جدید است و می‌بینیم که به جبران مافات، «عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن»<sup>۱</sup> می‌نویسند. شایعه کتاب‌سوزیها به وسیله مسلمین، جزء همین شایعات است که احياناً برخی از مسلمین نیز از قرن هفتم هجری به بعد - بدون اینکه توجه کنند که این قصه یک شایعه بی‌اساس است و از نقل آن خودداری کنند و یا لاقلاً همچنانکه «شریعت نقل» اقتضا می‌کند به صورت «شایع است» یا «گفته می‌شود» یا «چنین روایت می‌شود» در کتابهای خود نقل کنند - احياناً به صورت یک نقل عادی آن را در کتب خود منعکس کرده‌اند؛

مسلمانان به اسکندریه وجود داشت، نظر به اهمیت آن جهانگردان و سفرنامه‌نویسان که از آن دیار گذشته‌اند، از آن یاد می‌کردند. و یا آنکه مورخان مشهور معاصر آن زمان، همچون بلاذری و ابن عبد حکم و یعقوبی، از آن نام می‌بردند. و چنانچه این کتابخانه به هنگام فتح مصر از سوی مسلمانان عرب وجود داشت، می‌بایست در زمان هدنه - که میان مسلمانان و مقوقس بزرگ قبطیان منعقد گردید - آن را به رم منتقل می‌کردند، زیرا در مدت صلح به آنان اجازه داده شد تا اموال خود را به جاهای دیگر منتقل سازند، و زمان به گونه‌ای بود که براحتی می‌توانستند کتابخانه اسکندریه را منتقل کنند.

۲. یحیی نحوی که قبلاً بارها از او نام بردیم، در زمان ورود عمرو عاص به اسکندریه در قید حیات نبوده است و اگر زنده بود، بایستی عمر وی افزون بر ۱۲۰ سال و یا بیشتر باشد. وی در زمان امپراتوری جستنیان زندگی می‌کرده و کتابهایی بر ضد مذهب نسطوری به سال ۵۴۰ م نگاشته بود، و محال است که وی تا زمان فتح مصر به سال ۶۴۲ م زنده بوده باشد؛ بنابراین اصل داستان ساختگی بوده است.

۳. تاریخ‌نگار و ادیب، یوحناقی (نایقوس) که به هنگام فتح مصر زنده بود، در مورد رخدادهای آن به ویژه در خصوص آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه سخنی به میان نیاورده است، و این محال است که وی به چنین آتش‌سوزی‌ای اگر صحت داشته باشد، اشاره‌ای نکند، زیرا وی به رخدادها و رویدادهای کوچک و ناچیز نیز اشاره کرده است.

۴. یوحنا مسکویه و سفرنیوسی، دو تاریخ‌نگار مشهور، قبل از فتح اسلامی از مصر دیدن کرده‌اند و در باره کتابخانه‌های اسکندریه به تفصیل مطالبی نگاشته‌اند، ولی در باره کتابخانه مادر یا دختر مطالبی را نیاورده‌اند و چنانچه این دو کتابخانه وجود داشت، به علت اهمیت و عظمت، از آن یاد می‌کردند، زیرا در آن زمان عمر کتابخانه هزار سال بوده است.

۵. به هنگام فتح مصر، عمر کتابخانه نزدیک به یک‌هزار سال بوده و به علت شرایط زیست‌محیطی و عدم اهتمام به کتابخانه در شرایط مستقل سیاسی، به ویژه از سده نخستین میلادی، کتابخانه و آثار دستنویس آن این مقدار دوام نمی‌آورند.

۶. چنانچه داستان وجود کتابخانه اسکندریه را به هنگام فتح مصر تأیید نماییم، بایستی قبول کنیم که تمامی آثار موجود در آن، به ویژه نسخه‌های خطی، بر روی پوست

۱. جان دیون پورت کتابی به همین نام تألیف کرد که آقای حاج سید غلامرضا سعیدی آن را به فارسی ترجمه کرده است. جان دیون پورت، در آن کتاب (صفحه ۲۲) موضوع کتاب‌سوزی اسکندریه را طرح و به شدت تکذیب می‌کند.

است: «در آن زمان یحیی نحوی که به زبان ما به «غرماطیقوس» یعنی نحوی ملقب بوده است، در میان عرب مقام شهرت را حائز گردید. مشارالیه ساکن اسکندریه بوده است و مذهباً نصرانی و جزء فرقه یعقوبی بود و مخصوصاً عقیده ساوری (؟) را تأیید می نمود. او در آخر، مذهب تنصر را ترک گفته و تمام علمای نصارای مصر نزد او جمع شده، نصیحت نمودند که از کفر و زندقه بیرون آید، ولی او قبول نمود. وقتی که علماء مأیوس شدند وی را از مناصبی که دارا بود، انداختند؛ و او تا مدتی به همین حال باقی و زنده بود تا آنکه عمرو بن عاص (فرمانده مسلمین در فتح مصر) وارد مصر گردید.

روزی یحیی نزد وی حاضر شد، عمرو از مقام علم و فضل او واقف گردیده و خیلی از او احترام نمود. فاضل مشارالیه شروع به یک رشته سخنان حکیمانه ای نمود که اعراب ابداً با آن آشنا نبودند. سخنان مزبور در دماغ عمرو فوق العاده مؤثر واقع گردیده، فریفته وی شد. نظر به اینکه عمرو از اشخاص باهوش و عاقل و فکور بود، مصاحبت وی را اختیار نمود و هیچ وقت او را از خودش جدا نمی ساخت.

یک روز یحیی به عمرو اظهار داشت که هر چه در اسکندریه هست در تصرف شما می باشد. البته آنچه برای شما مفید می باشد، ما را به آن کاری نیست ولی چیزهایی که چندان محل حاجت شما نیست خواهش می کنم که آنها را به خود ما واگذار کنید که استحقاق ما به آنها بیشتر می باشد. عمرو پرسید که آنها چیستند؟ در جواب گفت: کتب حکمت و فلسفه می باشند که در کتابخانه دولتی ذخیره شده اند. عمرو اظهار داشت که من در این باب باید از خلیفه (عمر) دستور بخواهم و الا از خودم نمی توانم قبلاً اقدامی کنم. چنانکه عین واقعه را به خلیفه اطلاع داده و کسب تکلیف نمود، در جواب نوشت: اگر این کتابها موافق با قرآن می باشند هیچ ضرورتی به آنها نیست و اگر مخالف با قرآنند تمام آنها را بر باد ده.

بعد از وصول این جواب، عمرو شروع به انهدام کتابخانه نموده مقرر داشت که بین حمامهای اسکندریه کتابها را تقسیم کردند و از این رو در مدت شش ماه تمام کتب را سوزانیده بر باد داد. و آنچه واقع شده بدون استعجاب قبول نما.<sup>۲</sup>

۱. این قسمت، از رساله «کتابخانه اسکندریه»، تألیف شبلی نعمان، صفحات ۱۴ و ۱۵ و ۳۸ اقتباس شد.

۲. شبلی نعمان، رساله کتابخانه اسکندریه، ص ۱۶-۱۸.

غافل از آنکه سازنده شایعه مسیحیان صلیبی می باشند و انگیزه شان بدنام کردن مسلمین است. در قرن اخیر، که استعمار برانگیختن احساسات ملی ملل اسلامی را علیه اسلام و مسلمین صدر اول در صدر برنامه خود قرار داده، امثال پور داود این افسانه را به صورت یک حادثه تاریخی درآوردند، و به نقلهایی نظیر نقل عبداللطیف پر و بال دادند و به صورت یک نقل تاریخی به خورد دانش آموزان و دانشجویان بی خبر دادند.

## سخن ابن العبری

تا اینجا سخن عبداللطیف را نقل و بررسی کردیم. اکنون به نقد سخن ابوالفرج بن العبری بپردازیم.

ابوالفرج ابن العبری یک طبیب یهودی است که در سال ۶۲۳ هجری در ملطیه (آسیای صغیر) تولد یافته و پدرش دین یهود را ترک کرده و به نصرانیت گراییده است. ابوالفرج نیز آغاز تحصیلات خود را به فراگرفتن اصول نصرانیت گذرانیده است. او به زبان سریانی و عربی آشنایی کامل داشته است. تاریخی مبسوط به زبان سریانی نوشته که مأخذ آن، کتب سریانی و عربی و یونانی بوده است. در آن کتاب، ذکری از کتاب سوزی مسلمین در اسکندریه وجود ندارد. خلاصه ای از آن کتاب به عربی به نام مختصر الدول نوشت که می گویند همه نسخه های آن ناتمام و ناقص است. عجیب این است که می گویند با اینکه مختصر الدول خلاصه آن تاریخ مفصل سریانی است، مشتمل بر مطالبی است که در اصل مفصل سریانی نیست. از جمله آنها داستان کتاب سوزی اسکندریه به وسیله مسلمین است.

کتاب مختصر الدول را مردی به نام «دکتر پوکوک» که پرفسور کالج اکسفورد بوده و از اشخاصی است که در نشر اکاذیب علیه مسلمین دست داشته است، طبع و نشر کرده و به زبان لاتین هم ترجمه نموده است. از آن وقت و به وسیله این کتاب و این شخص شایعه کتاب سوزی مسلمین در اسکندریه و اروپا رواج یافت (البته رواج این افسانه در اروپا به وسیله این کتاب صورت گرفت؛ اما اصل قصه، قبلاً در کتاب عبداللطیف - که نقل و نقد نمودیم - و اخبار الحکماء قفطی - که بعداً نقل و نقد خواهیم کرد - ثبت شده بود) تا آنکه در قرون اخیر به وسیله محققین اروپایی، امثال گیون و کریل و گوستاولوبون و دیگران این شایعه تکذیب شد.<sup>۱</sup>

داستان کتاب سوزی در کتاب مختصر الدول به این شکل آمده

## انتقاد

با این توصیه و خواهش ابوالفرج (اگر واقعاً این قضیه را او خود آورده باشد) و یا استدعای جناب پروفیسور پوکوک،<sup>۱</sup> این افسانه، نه با استعجاب و نه بدون استعجاب قابل قبول نیست. گذشته از آنچه در نقد سخن عبداللطیف گفتیم که یک روایت تاریخی بدون ذکر سند و مأخذ و مدرک به هیچ وجه قابل قبول نیست. به ویژه که بعد از ششصد سال این نقل بی‌سند و بی‌مأخذ مطرح شود و قبلاً احدی از آن (ولو بدون سند و مأخذ) ذکری نکرده است؛ مضاف اینکه گفتیم از نظر محققان این مطلب به ثبوت رسیده که اساساً در موقع فتح اسکندریه به دست مسلمین از کتابخانه چیزی باقی نمانده بود و موضوع از اصل منتفی بوده است. دلایل و قرائن دیگری علیه این گزارش وجود دارد:

در این داستان، قهرمان، یحیی نحوی فیلسوف معروف است. طبق اسنادی که اخیراً تحقیق شده وی در حدود صد سال قبل از فتح اسکندریه درگذشته است و ملاقات وی با عمرو افسانه است.<sup>۲</sup>

موجب شگفتی است که شبلی نعمان با اینکه می‌نویسد که وی یکی از حکمای هفتگانه‌ای است که در اثر فشار ژوستی نین از روم به ایران آمدند و خسرو انوشیروان از آنها پذیرایی کرد، اصل ملاقات یحیی با عمرو را مورد تأیید قرار می‌دهد. توجه نمی‌کند که از مهاجرت آن حکما به ایران تا فتح اسکندریه بیش از ۱۲۰ سال فاصله است، و عادتاً امکان ندارد یحیی که در حدود ۱۲۰ سال قبل از فتح اسکندریه حکیمی نامبردار و معروف بوده است، هنگام فتح اسکندریه به صورت یکی از ندیمان عمرو به حیات خود ادامه دهد؛ بنابراین این نقلهایی که ملاقات یحیی با عمرو را ذکر کرده‌اند، هر چند نامی از کتابخانه نبرده‌اند، بی‌اساس است.

داستان ملاقات یحیی با عمرو در روایت ابوالفرج نظیر داستان تدریس ارسطو در اسکندریه در روایت عبداللطیف است. وضاعان و قصه‌پردازان به انطباق قصه با تاریخ توجه نکرده‌اند. در متن قصه آمده است که پس از آنکه دستور خلیفه به نابودی کتابها رسید، عمرو کتابها را به حمامهای اسکندریه تقسیم کرد و تا مدت شش ماه خوراک حمامهای اسکندریه بود و با توجه به اینکه اسکندریه در آن وقت بزرگ‌ترین شهر مصر و یکی از بزرگ‌ترین شهرهای جهان آن روز بوده است و

خود عمرو در گزارشی که با اعجاب فراوان برای خلیفه از این شهر می‌دهد، می‌نویسد: «در این شهر چهار هزار حمام، چهار هزار عمارت عالی، چهل هزار یهودی جزیه‌پرداز، چهار صد تفریح‌گاه دولتی، دوازده هزار سبزی‌فروش که سبزی تازه می‌فروشد وجود دارد». باید چنین فرض کنیم که در مدت شش ماه چهار هزار حمام از این کتابها گرم می‌شده‌اند، یعنی آن قدر کتاب بوده است که اگر یک حمام را می‌خواستند با آن گرم کنند برای قریب به هفتصد هزار روز یعنی در حدود دو هزار سال آن حمام کافی بود. عجیب‌تر آنکه طبق آنچه در متن گزارش ابوالفرج آمده همه آن کتابها در حکمت و فلسفه بوده نه در موضوع دیگر.

اکنون خوب است کمی بیندیشیم: آیا از آغاز پیدایش تمدن تا امروز، که قرن‌ها است صنعت چاپ پیدا شده و در شکل سرسام‌آوری نسخه بیرون می‌دهد، این اندازه کتاب حکمت و فلسفه که برای سوخت چهار هزار حمام در مدت شش ماه کافی باشد، وجود داشته است؟ باز خوب است بیندیشیم چنین کتابخانه‌ای چه مساحتی را اشغال کرده بود؟

کتابها به صورت انبار شده (مانند انبار گاه و گندم) نبوده بلکه به صورت چیده شده در قفسه‌ها بوده، زیرا مورد استفاده مردم بوده است. و لذا در گزارشی که از یک کشیش مسیحی در قرن چهارم بعد از میلاد رسیده، که از ناحیه امپراطور وقت مأمور شده بود کتابخانه را از بین ببرد، چنین

۱. پوکوک خاورشناس انگلیسی است که در دانشگاه آکسفورد انگلستان به تدریس اشتغال داشته و آثاری را از عربی به انگلیسی ترجمه نموده است. همانگونه که شهید مطهری در این گزارش آورده است، وی شخصی مغرض و ضد اسلام بود و در آثار خود به اسلام و مسلمانان تاخته است. اینجانب در کتابی که با عنوان «کتابهای چاپی فارسی-عربی و ترکی از سده‌های ۱۵ تا ۱۸ میلادی» که در جهان چاپ شده، در دست تألیف دارم، زندگینامه پوکوک را به تفصیل آورده‌ام.

۲. عجیب این است که آقای دکتر ذبیح‌الله صفا با اینکه در صفحه ۶ تاریخ علوم عقلی در اسلام می‌گوید: «یحیی نحوی از شخصیات بزرگ مدرسه اسکندریه در اواخر قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم (در حدود یک قرن قبل از هجرت نبوی) بوده» و در صفحه ۱۸ آن کتاب تصریح می‌کند: «می‌گویند تا فتح مصر به دست عمرو بن العاص (۶۴۱ میلادی) زنده بود و اما چنانکه از قرائن تاریخی برمی‌آید این مرد از رجال اواخر قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم میلادی است و زنده بودنش از اواخر قرن پنجم تا اواسط قرن هفتم بکلی دور از عادت و عقل است»، در عین حال خلاصه همین داستان را - که دو قهرمانش یحیی نحوی و عمرو بن العاص می‌باشند - به عنوان دلیل بر کتاب‌سوزی اسکندریه آورده است!

دولتی و سبزی‌فروشهای شهر سخن به میان آمده اما از کتابخانه سخنی نیست.

اسکندریه پس از فتح به وسیله عمرو عاص، قرارداد صلح با مسلمین بست و مردم آنجا «اهل ذمه» به شمار می‌رفتند و مقررات «اهل ذمه» در باره آنها اجرا می‌شد. یعنی جان و مال و ناموس و حتی معابد و آزادی عبادتشان محترم بود و حکومت اسلامی خود را ضامن و مسؤول آنها می‌دانست. عمرو بن عاص در عهدنامه خود با مردم مصر چنین نوشت: «این پیمان امنیتی است که عمرو به مردم مصر می‌دهد که جان و خون و اموال و مساکن و سایر امورشان در امان است». و طبق آنچه از معجم البلدان نقل شده، تصریح شده است که «زمین مردم مصر، اموال و سرمایه‌های آن مردم همه متعلق به خودشان است و کسی حق تعرض ندارد».<sup>۳</sup>

می‌دانیم که سیره مسلمین با اهل کتاب، همواره اینچنین بوده که آنها را پس از فتح، در «ذمه» خود قرار می‌دادند و از آنها جزیه می‌گرفتند و در مقابل این جزیه عهده‌دار امنیت جان و مال و حیثیت و معابد آنها می‌شدند. در اسکندریه نیز چنین شد. اگر در نقل ابوالفرج آمده بود که مسلمانان هنگام فتح اسکندریه، قبل از عقد پیمان صلح با مردم آنجا چنین کاری کرده بودند، از این نظر اشکالی وارد نبود، اما گزارش ابوالفرج می‌گوید: این جریان مدتها بعد از فتح اسکندریه، در اثر تذکری که از طرف یحیی نحوی داده شد رخ داده است؛ اینکه مسلمین بعد از قرار صلح دست به چنین کاری بزنند مخالف سیره و سنت آنها است.

آنچه از احوال عمرو و عمر اطلاع داریم این جریان را تأیید نمی‌کند. عمرو شخصاً مردی مدبر و باهوش و مستقل‌الفکر بوده و اگر نظر خاصی داشت به هر شیوه‌ای بود بر عمر تحمیل می‌کرد. تواریخ می‌نویسند که عمر چندان رغبتی به فتح مصر نشان نمی‌داد و عمرو عاص نظر خود را بر او تحمیل کرد؛ تا آنجا که می‌گویند از عمر کسب اجازه کرد، اما پیش از آنکه اجازه برسد، حمله را شروع کرد. اگر چنین می‌بود که در متن قصه آمده که یحیی نحوی به صورت ندیم و معاشر عمرو درآمد بود و عمرو به حکم عقل و هوش ذاتی

آمده است: «من قفسه‌های آن را در آن وقت، از کتاب، به کلی خالی یافتم».<sup>۱</sup> پس مساحت یک شهر هم شاید برای چنین کتابخانه‌ای نباشد.

امروز کتابخانه‌های بسیار بزرگ در اثر پیشرفت صنعت چاپ و وجود امکاناتی بی‌سابقه در تاریخ بشر، در جهان، خصوصاً آمریکا و شوروی، وجود دارد. همچنانکه شهرهای بسیار بزرگ و بی‌سابقه در تاریخ بشر، در جهان امروز وجود دارد. با این حال، من باور ندارم امروز هم کتابخانه‌ای وجود داشته باشد که کتابهایش برای گرم کردن حمامهای شهری که آن کتابخانه در آنجا هست برای مدت شش ماه کفایت کند. اینها همه دلیل افسانه بودن این داستان است، و تنها در دنیای افسانه‌ها نظیری برایش می‌توان یافت. گویند مردی در وصف شهر هرات، که مدعی بود روزگاری فوق‌العاده بزرگ و پرجمعیت بوده است، داد سخن می‌داد. کار را به جایی رسانید که گفت: «در آن وقت در هرات ۲۱ هزار احمد یک چشم کله‌پز وجود داشته است!» با توجه به اینکه همه اهل هرات نامشان احمد نبوده و همه احمد نامها یک چشم نبوده‌اند، و همه احمدهای یک چشم کله‌پز نبوده‌اند؛ پس اگر فقط عدد احمدهای یک چشم کله‌پز به ۲۱ هزار نفر می‌رسیده، حساب کنید ببینید عدد سایرین چقدر بوده است؟ اگر اولین و آخرین را روی زمین جمع کنیم قطعاً باز هم کافی نیست.

داستان ابوالفرج چیزی شبیه داستان احمد یک چشم کله‌پز است. لذا نویسندگان دائرةالمعارف انگلیسی بنا بر نقل شبلی نعمان قصه ابوالفرج را جزء فکاهیات به حساب آورده‌اند. شبلی نعمان و برخی محققان غربی گفته‌اند: در آن عصر، کتابها از پوست بوده و ابداً به درد سوخت نمی‌خورده و بدین جهت آنها را برای سوخت به کار بردن یک کار لغو و بیهوده دیگری بوده است. شبلی نعمان از شخصی بنام مسیو پیر نقل می‌کند: ما یقین داریم که حمامیان اسکندریه تا وقتی که برای سوخت، مواد دیگری داشتند، هیچ وقت کتابهایی را که روی پوست تدوین یافته به مصرف سوخت نمی‌رسانیدند و سخن اینجاست که قسمت اعظم کتب مزبوره از پوست تشکیل یافته بودند.<sup>۲</sup>

اگر چنین کتابخانه‌ای در اسکندریه بود، قطعاً عمرو در گزارش خود از این شهر به خلیفه، که در تواریخ مضبوط است، نامی هم از آن می‌برد. در آن گزارش از تفریح‌گاههای

۱. شبلی نعمان، کتابخانه اسکندریه، ص ۵۰.  
 ۲. شبلی نعمان، کتابخانه اسکندریه، ص ۵۳.  
 ۳. شبلی نعمان، کتابخانه اسکندریه، ص ۵۶.



از سخنان حکیمانه یحیی لذت می‌برد و استفاده می‌کرد، عمرو در نامه خود به عمر طوری گزارش می‌داد که کتابخانه مورد علاقه دوست دانشمندش محفوظ بماند؛ نه اینکه به کسب اجازه ساده‌ای قناعت کند و به محض رسیدن نامه خلیفه، بدون آنکه بار دیگر نامه‌ای بنویسد، فوراً در جلو چشم دوست دانشمندش کتابهایی را که از جان برای دوستش عزیزتر بود طعمه آتش نماید.

و اما عمر هر چند مردی خشن بوده است ولی احدی در هوش و دوراندیشی او تردید ندارد. عمر برای اینکه همه مسؤولیتها را شخصاً بر عهده نگیرد و به علاوه از فکر و اندیشه دیگران استمداد جوید، معمولاً در مسائل مهم (خصوصاً در سیاست خارجی حکومتش) شورا تشکیل می‌داد و به مشورت می‌پرداخت که در کتب تاریخ مسطور است و به دو نمونه‌اش به تناسب در نهج البلاغه اشاره شده است. در هیچ تاریخی دیده نشده که عمر در باره کتابخانه اسکندریه شورایی تشکیل داده باشد و با کسی مشورت کرده باشد. بسیار بعید است که چنین تصمیمی را بی‌مشورت اتخاذ کرده باشد. به علاوه اگر عمر چنین اندیشه‌ای می‌داشت که ما با وجود قرآن به هیچ کتاب دیگر احتیاج نداریم، قطعاً این اندیشه دیگر را هم داشت که با وجود مساجد، احتیاج به معبد دیگر نداریم. پس چرا در قراردادهای خود کلیساها و کنیسه‌ها و حتی آتشکده‌ها را تحمل می‌کند و بلکه دولت اسلامی را متعهد حفظ و نگهداری آنها در ازای شرایط ذمه می‌داند.

فرضاً عمرو بن العاص چنین دستوری داده باشد آیا باور کردنی است که مردم مسیحی و یهودی اسکندریه، بدون هیچ عکس‌العمل مخالفی، آن کتابها را که محصول فرهنگ و تاریخشان بوده، مانند انبار هیزم تحویل بگیرند و بسوزانند و حتی مخفیانه آن کتابها را درنبرند و مخفی نسازند؟

اما نقل قفطی عیناً همان است که ابوالفرج نقل کرده است. همه ایرادهایی که بر نقل ابوالفرج وارد است، بر این نیز وارد است. ابوالفرج در کتاب تاریخ مفصل خود (که به سریانی نوشته) این قصه را نیاورده و اما در مختصر الدول (که به عربی و خلاصه آن است) آورده و این مایه شگفتی است. قفطی نیز در کتابی که در تاریخ مصر نوشته<sup>۱</sup> ذکر از این قصه عجیب نکرده است، اما در کتاب اخبار العلماء باخبار الحکماء که تاریخ فلاسفه است، در ذیل احوال یحیی نحوی این قصه را بدون ذکر

هیچ مدرکی آورده است. بنابراین در نقل قفطی نیز یحیی نحوی یکی از دو قهرمان قضیه است و همه آن کتابها که در حکمت و فلسفه بوده به قدری بوده که چهارهزار حمام را در مدت شش ماه گرم کرده است.

قفطی مدعی است که یحیی نحوی در ابتدا کشتیران بوده؛ در سن ۴۵ سالگی عشق تحصیل به سرش زده و بعد، هم فیلسوف شده و هم پزشک و هم ادیب و هم به مقام اسقفی اسکندریه رسیده است.

### یحیی نحوی در ابهام تاریخ

در موضوع یحیی نحوی، نوعی ابهام در تاریخ هست، آنچه مسلم است مردی فیلسوف و اسقف در دوره قبل از اسلام به نام یحیی نحوی وجود داشته و همان است که بر رد ابرقلس و ارسطو و در دفاع از اصول مسیحیت کتاب نوشته و بوعلی در نامه معروفش به ابوریحان بیرونی از او به زشتی یاد می‌کند و مدعی است که او نه از روی عقیده بلکه به خاطر عوام‌فریبی مردم نصاری آن کتابها را نوشته است. از طرف دیگر، ابن الندیم در الفهرست از یحیی نحوی نام می‌برد که با عمرو بن العاص ملاقات داشته است، بدون ذکر از کتابخانه اسکندریه. در کتاب معتبر صوان الحکمة، ابوسلیمان منطقی می‌نویسد که او در زمان عثمان و معاویه دیده شده است. پس یا نقل ابن الندیم و ابوسلیمان منطقی بی‌اساس است، و یا آن کسی که در زمان عمرو بن العاص و معاویه بوده است، یحیی نام دیگری بوده، غیرآنکه شخصیتی محسوب می‌شود و شروح زیادی بر کتب ارسطو و غیره نوشته و اسقف اسکندریه بوده است.

بعید نیست کسانی که داستان کتابخانه اسکندریه را ساخته‌اند، از ذکر نام یحیی نحوی در کلام ابن الندیم و ابوسلیمان منطقی استفاده کرده و داستان را پرداخته‌اند، بدون آنکه توجه کنند که احتمالاً دو نفر به این نام بوده‌اند. و فرضاً اگر شخصی به این نام در زمان عمرو بن العاص و عثمان و معاویه بوده، نمی‌تواند عیناً همان اسقف فیلسوف معروف اسکندریه باشد.

به هر حال، آنچه مسلم است یحیی نحوی اسکندرانی فیلسوف و پزشک و شارح ارسطو و اسقف معروف اسکندریه، دوره عمرو بن العاص و معاویه را درک نکرده است.

۱. جرجی زیدان، تاریخ تمدن، ترجمه فارسی، ج ۳، ص ۶۴.

نکرده‌اند. وقتی قیصر مصر را گشود و انتوان و کلئوپاترا را بعد از کارزاری سخت بشکست، در موزه و کتابخانه اسکندریه چیزی از آثار گران‌بهای دوره بطالسه از حریق جان به در نبرده تا جزو غنائم جنگی به روم ببرد و این کتابخانه بعدها هم، چندان دستخوش سوختن و ربودن و پراکندن در طی سالیان دراز شده بود که در محل آن از یادگارهای گذشته چیزی بر جا نبود که عمرو عاص در باره آن از خلیفه کسب دستور بکند.

عبداللطیف و قفطی نمی‌دانستند و ابن عبری اگر هم می‌دانست نمی‌گفت که در فاصله زمان تئودور تا هراکلیوس در کشورهای متمدن حوزه مدیترانه آثار فلسفی و علمی همه جا محکوم به نابودی شده بود تا در برابر تعلیمات کلیسا چیزی در دست مردم از آثار بومی قدیم حکمای یونان باقی نمانده باشد. اگر اسلام هم مانند مسیحیت آثار عقلی و فکری پیش از خود را محکوم به نابودی می‌کرد ناگزیر سرنوشت علم و فلسفه در ممالک اسلامی نظیر همان وضعی را پیدا می‌کرد که در قلمرو دین عیسوی داشت. پس این نهضت علمی و فلسفی سریع که در نیمه دوم قرن اول هجری با ترجمه آثار پهلوی و یونانی به عربی برای خالد بن یزید و هشام بن عبدالملک آغاز گشت، در طی یکصد سال نمی‌توانست به اوج کمال خود در عهد مأمون برسد و راه را برای ظهور دوره طلایی سده چهارم هجری بگشاید. در این صورت باید ایراد چنین نسبتی را در دنباله کارهای نامطلوب جنگجویان صلیبی و مغول محصول و مخلوق مقتضیات زمان و القائات دیگران برای تخفیف شدت عیب این امور به حساب آورد.

این روایت، که نه تاریخ مصر قبل از اسلام بدان زمینه می‌دهد و نه تواریخ مسلمان و قبطی بعد از اسلام در باره آن اشاره‌ای کرده‌اند، برای مأمور معلوم نیست از مغز کدام مغرض برای کاستن درجه نفرت عمومی از اعمال عیسویان در شام ساخته و پرداخته شده و در آثار این سه نفر هم قرون هم عصر در یک زمان راه یافته است....

## نظریات مدعیان آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه

۱. اینکه یحیی نحوی (گراماطیقی) به هنگام ورود عمرو عاص به اسکندریه جوانی بوده بنابر نظر ابن ندیم، شاید

سخن ما در باره کتاب‌سوزی ایران و اسکندریه به پایان رسید. خلاصه سخن این شد که تا قرن هفتم هجری یعنی حدود ششصد سال بعد از فتح ایران و مصر، در هیچ مدرکی، چه اسلامی و چه غیر اسلامی، سخن از کتاب‌سوزی مسلمین نیست. برای اولین بار در قرن هفتم این مسأله مطرح می‌شود. کسانی که طرح کرده‌اند، اولاً هیچ مدرک و مأخذی نشان نداده‌اند و طبعاً از این جهت نقلشان اعتبار تاریخی ندارد، و اگر هیچ ضعفی جز این یک ضعف نبود، برای بی‌اعتباری نقل آنها کافی بود. ثانیاً همه آنها، به استثنای ابوالفرج و قفطی، وجود شایعه‌ای را بر زبانها روایت کرده‌اند، نه وقوع حادثه را. و در شریعت روایت و قانون نقل تاریخی، هرگاه مورخ به جای نقل حادثه‌ای «بر سر زبانها بوده» آن حادثه را نقل کند، یعنی به جای آنکه بگوید چنین حادثه‌ای واقع شده، بگوید: «گفته می‌شود چنین حادثه‌ای واقع شده»، نشانه این است که حتی خود گوینده اعتمادی به وقوع آن حادثه ندارد. ثالثاً نقلهای قرن هفتم که ریشه و منبع سایر نقلها است، یعنی نقل عبداللطیف و ابوالفرج و قفطی، در متن خود مشتمل بر دروغهای قطعی است که سند بی‌اعتباری آنها است.

و علاوه بر همه اینها، چه در مورد ایران و چه در مورد اسکندریه، قرائن خارجی وجود دارد که فرضاً اگر این نقلها ضعف سندی و مضمونی هم نمی‌داشت، آنها را از اعتبار می‌انداخت.

۹. مرحوم استاد سید محمد محیط طباطبائی دانشمند برجسته نیز در مورد کتاب‌سوزی مسلمانان مقاله‌ای در مجله وحید<sup>۱</sup> نگاشته و طی آن در مورد رد انتساب آتش زدن کتابخانه قدیم اسکندریه مطالبی آورده است. در یغم آمد که عین گفته آن استاد فرزانه را در این گزارش نیاورم. ایشان ضمن مقاله خویش چنین آورده است:

اما موضوع حریق کتابخانه‌های اسلامی به سعی صلیبیان و مغول دنباله‌رو کار ایشان، عملی مسلم و غیرقابل انکار بوده است. تا آنکه در نیمه اول سده هفتم، سه تن در سوریه - یک مسیحی و یک مسلمان و یک مؤلف ناشناس - نسبت سوختن کتابخانه اسکندریه مصر را به عمرو عاص داده‌اند که به امر خلیفه دوم کتابها را در میان گرمابه‌های اسکندریه تقسیم کرد تا بسوزانند. این سه مؤلف قریب‌العهد، یعنی عبداللطیف بغدادی و قفطی و ابن عبری که به ترتیب راوی این داستان بوده‌اند، به هیچ سند و مدرک متقدم بر زمان خود اشاره

یحیی مذکور یوحنا فیلوبونس که برضد عقیده تثلیث که باتلر آثار او را دنبال کرده است، نباشد، زیرا نام یحیی در آن زمان، یوحنا بوده است. (هر آن کس که در لغت و ادبیات پژوهش می‌کرده یوحنا می‌نامیدند.) و احتمالاً یحیی مورد نظر ما یحیی دیگر باشد که باتلر توسط آن داستان را نقض کرده باشد. ۲. میان دین اسلام، که مسلمانان را به فضائل انسانی دعوت می‌کند، و میان مجریان آن، که با ضعف خود آن را اجرا نکنند، تفاوت است. و می‌توان در اینجا به جنگ اُحد اشاره کرد و داستان غنایم و غیره که همگان از آن اطلاع دارند.

۳. ابن خلدون تاریخ‌نگار برجسته مسلمان در مقدمه خود، به برخی خصیصه‌های اعراب اشاره کرده و می‌گوید: اعراب نمی‌توانند دیگر تمدنها را تحمل کنند، و همیشه به دنبال تخریب و نابودی آن بوده‌اند، عمرو عاص هم از این قاعده مستثنی نیست و جمعی از اعراب بادیه‌نشین بی‌فرهنگ و تمدن را به همراه خود داشت که هیچگاه ارزش کتاب و کتابخانه را نمی‌دانستند.

۴. عمر بن الخطاب نظیر این کار بسیار کرده، از جمله قطع درخت بیعت که مردم بعد از رسول اکرم (ص) به آن تبرک می‌جستند. و ابن الولید با آن همه پیروزیهای نظامی، به علت ترس از تقدیس آن از سوی مسلمانان، عمر او را عزل نموده است.

۵. در برخی منابع تاریخی به آتش کشیدن کتابخانه‌های مختلف از سوی اعراب مسلمان آمده است، از جمله حاجی خلیفه در کتاب کشف الظنون داستان آتش زدن کتابخانه‌های ایرانیان به هنگام فتح فارس و دستور صریح عمر بن خطاب به سعد که کتابهای ایرانیان را به آب بریزند، و به همین سبب بسیاری از آثار علمی ایرانیان از بین رفته است.

۶. از رفتارهای پیروزمندان مسلمانان در جنگها، نابود ساختن ایده و تفکرات شکست‌خوردگان بوده تا مجدداً قیام نکنند. و این کار میسر نمی‌شد مگر با به آتش کشیدن کتابخانه‌ها و یا حداقل انتقال آنها به مکانهای دیگر. به عنوان مثال: هولاکوخان مغول از غارت کتابخانه‌ها پلای ساخت تا نیروهای وی بتوانند از آن عبور کنند، و گاه اسطبلها را برای نگهداری اسبها از کتابها می‌ساخت، صلاح‌الدین ایوبی دستور داد تا کتابخانه‌های فاطمیان در مصر اعم از عمومی و شخصی را در قصرها به آتش بکشند، و در منابع تاریخی آمده که

سربازان وی از جلد‌های کتابها که بیشتر از چرم ساخته شده بود کفش و نعل بسازند، و این داستان در مورد کتابخانه‌های شام نیز وجود داشته است. گفته شده کتابهای نابود شده به دست صلاح‌الدین ایوبی در شام و مصر بالغ بر چهار میلیون جلد بوده است. صلیبیان نیز به هنگام جنگهای صلیبی کتابخانه‌های شام و طرابلس را به آتش کشیدند. گویا کتابخانه طرابلس ۳ میلیون جلد کتاب داشته و به دستور «کنت برترام سانت گیل» در آتش سوخت. همچنین ملکه ایزابلا و فردیناند، که بر اندلس مسلمان چیره شدند و مسلمین را از آن دیار اخراج نمودند، تمامی کتابها و کتابخانه‌های اسلامی را در اواخر سده ۱۵ میلادی به آتش کشیدند. اینگونه برخوردها به گونه‌ای جنبه مذهبی نیز داشته است، زیرا همیشه پیروزمندان خواهان به خاک کشانیدن بازنده‌ها بوده‌اند، و این اختصاص به مسلمانان ندارد و در مسیحیان نیز وجود داشته است.

عبدالله بن طاهر نیز کتابهای زبان فارسی به ویژه مذهب شیعه را که تا روزهای زمامداری وی وجود داشته در سال ۲۱۳ هجری به آب انداخت و داستان آن در کتابهای تاریخ اسلام به تفصیل آمده است.

۷. پیروزشوندگان در جنگ عقیده داشتند که دین آنها خاتم و کامل است و می‌بایست دین شکست‌خوردگان نابود شود. رومیان پس از ایمان آوردن به دین مسیح که قبل از آن از دشمنان سرسخت مسیحیان بودند، دستور تخریب معابد قدیمی خویش را دادند و کتابخانه‌های خود را به آتش کشیدند، بنابراین برخورد مسلمانان نیز موضوع عجیبی نبوده و شاید آن را تقریباً الی الله انجام می‌دادند.

۸. در میان برخی از دانشمندان اسلامی یک پدیده بسیار عجیب رخ داده است و اینکه آنان در طول حیات خود کتابهای بسیاری تألیف و تصنیف و یا خریداری می‌کردند و در برخی موارد تمامی اموال خود را صرف خرید و حفظ کتاب می‌نمودند و در هنگام مرگ و یا اواخر عمر خویش آنها را در آب می‌افکندند و یا می‌سوزاندند تا از دسترس ناهلان دور بماند. در این زمینه می‌توان نام چند تن از آنها را آورد، از جمله احمد بن ابی‌الحواری، سفیان ثوری، ابوعمرو بن العلاء، ابوحنیان توحیدی و صد‌ها تن دیگر.

۹. داستان آتش زدن کتابخانه اسکندریه با آن تفصیل که در برخی منابع آمده، شاید اندکی اغراق‌آمیز باشد ولی نمی‌توان

جهانی جهت همکاری و مساعدت کشورهای جهان به پروژه احیای کتابخانه اسکندریه منتشر گردید. «دکتر احمد مختار أمبو» که مدیریت کل یونسکو را بر عهده داشت، در فوریه سال ۱۹۸۶م به دانشگاه اسکندریه رفت و در اکتبر سال ۱۹۸۷ کنفرانس عمومی ملل متحد «یونسکو» موافقت خود را با پیام جهانی برای همکاری در پروژه کتابخانه اعلام نمود. این پیام به پنج زبان عربی، انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی و روسی منتشر گردید. در ژوئیه سال ۱۹۸۸م نخستین سنگ بنای پروژه از سوی حُسنی مبارک رئیس جمهور مصر به همراه مدیر جدید یونسکو دکتر فیدریکو مایور گذاشته شد. آن گاه اجرای پروژه از دانشگاه به وزارت آموزش عالی مصر محول گردید. در اجلاس اسوان مصر در روزهای ۱۱ و ۱۲ فوریه سال ۱۹۹۰م جمع‌آوری کمکها آغاز گردید و زمان اجرای افتتاحیه در ژوئیه ۱۹۹۵م تعیین گردید. هزینه احتمالی پروژه جدید بالغ بر ۱۶۰ میلیون دلار برآورد گردید. مصریها زمین و سالن کنفرانس را به این پروژه ملی اختصاص دادند و مساحت آن بالغ بر چهل هزار متر مربع که چهل میلیون دلار بهای زمین و سالن کنفرانس بیست میلیون دلار برآورد گردید، در اجلاس اسوان که در بالا اشاره شد ۶۴ میلیون دلار دیگر کشورهای عربی و خصوصی تعهد نمودند. سرانجام در ۱۴ دسامبر سال ۱۹۸۸م مصادف با ۴ جمادی‌الاولی سال ۱۴۰۹هـ بیانیه‌ای از سوی رئیس جمهور مصر در مورد تشکیل هیأت عمومی کتابخانه صادر گردید، در بند ۸ بیانیه فوق، موارد هزینه را مشخص نموده است. بندهای آن بدین قرارند:

۱. آنچه دولت در بودجه عمومی کشور مصر اختصاص دهد؛
  ۲. کمکهای داخلی و خارجی؛
  ۳. خدماتی که هیأت ارائه می‌دهد؛
  ۴. هزینه‌هایی که به نام هیأت منعقد می‌شود؛
  ۵. عواید سرمایه‌گذاری از اموال هیأت؛
  ۶. هرگونه مواردی که برای هیأت برقرار می‌گردد.
- در بند ۹ این بیانیه آمده است که هیأت بایستی ردیف خاص از بودجه عمومی کشور داشته باشد.
- در بند چهارم این بیانیه، نحوه تشکیل اعضای هیأت مشخص گردیده است که عبارتند از:

۱. وزیر آموزش عالی به عنوان رئیس هیأت؛
۲. رئیس دانشگاه اسکندریه به عنوان معاون رئیس؛

آن را به طور کلی انکار نمود به مصداق این مثل: «تا نباشد چیزی که مردم نگویند چیزها».

در پایان، چنین نتیجه‌گیری می‌کنیم که داستان آتش زدن کتابخانه‌ها اختصاص به مسلمانان و یا قومی خاص نداشته و همانگونه که یادآور شدیم در میان مسیحیان نیز وجود داشته و این رویه‌ای است که پیوسته پیروزشوندگان برای نابودی تمامی آثار اعم از منقول و غیر منقول بازندگان در جنگ وجود داشته است. بایستی اذعان نمود باب اجتهاد در این زمینه باز است. شاید در آینده ادله‌های بیشتری ارائه شود و حقیقت این امر آشکار گردد. یادآوری این نکته بایسته است که نظریات مخالفان و موافقان آتش‌سوزی، که به برخی از آنها اشاره کردیم، الزاماً نظر اینجانب نیست و صرفاً بیان نظریات آنان می‌باشد تا خوانندگان خود به قضاوت بنشینند.

## احیای مجدد کتابخانه اسکندریه

هنگامی که یکی از استادان دانشگاه اسکندریه مصر از کتابخانه بزرگ کنگره آمریکا در واشنگتن بازدید می‌کرد در گفتگو با «دانیل بروستین» - که در آن زمان مدیر آن کتابخانه بود - بحث احیای مجدد کتابخانه قدیم اسکندریه به میان آمد، رئیس کتابخانه کنگره موضوع را جدی گرفت و در سال ۱۹۷۶م موضوع را با مدیرکل وقت یونسکو در پاریس در میان گذاشت و از وی خواست که موضوع را به عنوان یک پروژه بین‌المللی دنبال کند. در آن زمان بحثهایی میان استادان مصری صورت گرفت و رئیس سابق دانشگاه اسکندریه - دکتر «محمد لطفی دویدار» - موضوع را به عنوان پروژه محلی تلقی کرد، لیکن در سال ۱۹۸۰م این داستان ابعاد تازه‌ای یافت و چند مرکز فرهنگی موضوع را پیگیر شدند. این امر همگام با جشن مجدد بازگشایی و ترمیم «معبد ابوسمبل» در برابر دیدگان کشورهای مختلف قرار گرفت.

دانشگاه اسکندریه، قطعه زمینی را برای ساخت کتابخانه و مرکز همایشها، که هم‌اکنون در کنار کتابخانه جدید قرار دارد، اختصاص داد. آن گاه کارشناسان مربوطه از یونسکو به اسکندریه آمده و نیز استادانی از دانشگاه اسکندریه به مقر یونسکو در پاریس رهسپار شدند. در سال ۱۹۸۷م برآورد کلی طرح به توافق رسید و تصمیم گرفته شد تا این طرح به صورت یک طرح ملی بین‌المللی دنبال شود. سال بعد، پیام

۳. استاندار اسکندریه یا نماینده او؛

۴. سه تن از استادان دانشگاه که از سوی هیأت علمی دانشگاه برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند و قابل تمدید نیز می‌باشد؛
۵. نمایندگان از وزارتخانه‌های فرهنگ، تبلیغات، توریسم، آموزش عالی، آموزش و پرورش، امور خارجه که هر یک از سوی وزیر مربوطه انتخاب می‌شوند؛
۶. حداکثر پنج شخصیت برجسته فرهنگی کشور مصر که از سوی وزیر آموزش عالی برای سه سال انتخاب می‌شوند و قابل تمدید نیز می‌باشند.

### وظایف

- این هیأت بالاترین مرجع تصمیم گیرنده در امور کتابخانه خواهد بود و می‌تواند موارد اصلی زیر را اعلام نماید.
۱. صدور لوایح داخلی و لوایح امور علمی، اداری، فنی و مالی، البته پس از موافقت وزارت دارائی.
  ۲. اعلام طرح لازم جهت تنفید و اجرای پروژه احیای مجدد کتابخانه اسکندریه.
  ۳. تعیین تکلیف امور کارکنان و حقوق و مزایا بدون در نظر گرفتن قوانین هماهنگ پرداخت که در تمام وزارتخانه‌ها اعمال می‌شود.
  ۴. تنظیم چارت اداری و تنظیم جداول و دستورالعمل پستهای سازمانی.
  ۵. انجام تماس با هیأتها و کشورهای خارجی و مؤسسات عمومی و شخصی معروف و دعوت از آنان جهت مشارکت در انجام پروژه.
  ۶. پذیرفتن کمکها و اعانات و هدایا اعم از کتاب خطی و چاپی و غیره که با ماهیت پروژه همخوانی داشته و با مقررات آن تطابق داشته باشد.
  ۷. موافقت بر طرح هیأت در حسابرسی پایانی هر سال.
  ۸. پیگیری گزارشات روزانه از روند پیشرفت اجرای کار پروژه.
  ۹. انجام هر آنچه را که هیأت نیاز دارد.
  ۱۰. تمامی تصمیمات اداری جهت اجرا به وزیر آموزش عالی بایستی منتقل گردد.

دانشگاه اسکندریه به صورت علمی و آکادمیک این پروژه را پشتیبانی نماید.

در بند هفتم بیانیه اصلی اشاره به تعیین و انتخاب رئیس هیأت که بایستی وزیر آموزش عالی باشد، از سوی رئیس جمهور مصر اعلام می‌گردد.

برای آنکه این پروژه به صورت فراملی بماند، کمیته اجرائی بین‌المللی بدین صورت تشکیل و فعال گردید که پنج نفر از مصر و نمایندگان از دیگر کشورهای کمک‌کننده از جمله یونان، فرانسه، ایتالیا، عمان، عربستان، ترکیه، امارات، آمریکا و نماینده‌ای از یونسکو می‌باشند.

نخستین اجلاس کمیته اجرائی در ۱۹۹۲/۴/۲۶ م در مرکز اجلاسهای اسکندریه برگزار و نتایج آن به ترتیب زیر اعلام گردید:

۱. دستور انتخاب رئیس کمیته اجرائی و مدیر پروژه و معاون وی؛
۲. موافقت بر چارت تنظیمی تشکیلات اجرائی؛
۳. موافقت بر پلان و برنامه‌های اجرائی پروژه از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ م و هزینه برآورد اولیه بالغ بر ۱۷۱ میلیون دلار؛
۴. موافقت بودجه پیشنهادی سال ۱۹۹۲ م و هزینه‌های آن طبق بندهای مربوطه مجاز شده است؛
۵. بررسی و پذیرش طرح اجرائی انتخاب شده شرکت مهندسی نیروژی «سنوهیتا» برای آماده‌سازی ماکت مهندسی پروژه جهت بررسی امکانات مجموعه‌ها و برگزاری امور کتابخانه‌ای و سایر فعالیتهای فرهنگی آینده؛
۶. زمینی به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع در داخل شهر اسکندریه جهت دفتر کارهای اجرائی پروژه تهیه گردید.
- پس از بیانیه رئیس جمهور مصر به شماره ۵۲۳ مورخ سال ۱۹۸۸ م کارهای اجرائی پروژه رسماً آغاز گردید.
- در سال ۲۰۰۱ م رئیس جمهور مصر طی یک بیانیه مجدد به عنوان قانون ویژه به شماره ۱ کتابخانه زیر نظر مستقیم رئیس جمهور قرار گرفت، آنگاه در همان سال طی قانون ۷۶ ریاست جمهوری مصر نهایتاً تشکیلات اداری کتابخانه به ترتیب زیر مشخص گردید:

۱. هیأت بانیان «بنیانگذاران» به ریاست رئیس جمهور وقت مصر یا نماینده قانونی وی و همچنین رئیس جمهور فرانسه، ملکه اسپانیا و برخی دیگر از حاکمان جهانی. این

پنسیلوانیا آمریکا، لوزان سوئیس، سوینبورن استرالیا، چندین جایزه جهانی در زمینه علوم دریافت کرده از جمله جایزه روبرت ویلش، ملک فیصل، مدال بنیامین فرانکلین، لئوناردو داوینچی، رونتگن، مدال طلائی بول کارر، آکادمی پادشاهی هلند، مدال درجه یک از حسنی مبارک رئیس جمهور مصر، و یک تمبر یادبود به نام وی در مصر منتشر شده است.

۳. خانم دکتر ادیل سیمونز از «آمریکا». وی اکنون جانشین رئیس و مدیر اجرایی «شیکاگو مترو بولس ۲۰۲۰» و نیز استاد در مرکز بررسیهای بین‌المللی دانشگاه شیکاگو آمریکا، قبلاً رئیس جمهور سابق آمریکا «کارتر» وی را در هیأت مبارزه با قحطی در جهان برگزید، عضو کمیته سلامت که از سوی رئیس جمهور سابق آمریکا «جورج بوش» پدر بوده و چندین جایزه دریافت کرده است.

۴. امیرتوتاکو از «ایتالیا». دارای دکترا در فلسفه و ادبیات قرون وسطی، دبیر سابق برنامه‌های فرهنگی تلویزیون ایتالیا، در سال ۱۹۶۶م به دانشگاه علوم تطبیقی میلان منتقل و استاد علم دلالت «یکی از علوم زبانشناسی» گردید، دارای جوایز دریافتی بسیار که در این مختصر میسر نیست، همچنین دارای ۲۳ دکترای افتخاری.

۵. جاک آتالی از «فرانسه». از برجسته‌ترین علاقمندان به کتاب و پژوهشگران اجتماعی و اقتصادی، مدتی مشاور رئیس جمهور سابق فرانسه «فرانسومیتران» بود، رئیس بانک اروپائی آبادانی و توسعه، عضو مجلس دولت فرانسه از سال ۱۹۹۳م تا کنون، وی تألیفات بسیاری در زمینه‌های اقتصاد، موسیقی، رمان و داستانهای کوتاه دارد و آثار وی به بیش از ۲۰ زبان ترجمه و منتشر شده که شمارگان برخی از آنها به ۱۳ میلیون بالغ گردیده است.

۶. خانم دکتر حنان عشراوی از «فلسطین». متولد رام‌الله فلسطین و مقیم قدس، دکترای خود را از دانشگاه ویرجینیای آمریکا دریافت کرده، اکنون رئیس دانشکده ادبیات بیرزیت فلسطین می‌باشد و خود در آن دانشگاه، ادبیات انگلیسی را تدریس می‌کند، مدتی وزیر آموزش و بررسی علمی در حکومت خودمختار فلسطین بود، در سال ۱۹۹۴م جمعیت مستقل حقوق فلسطینیان و اعلامیه گسترش گفتگوی جهانی و دمکراسی را تأسیس کرد.

۷. استیون جای کولد از «آمریکا». یکی از نویسندگان

هیأت نقش تعیین‌کننده جهت امداد کتابخانه از لحاظ مالی و کتاب و نیز حلقه اتصال میان تمدنهای جهان می‌باشد.

۲. هیأت امنای مرکب از رئیس جمهور یا نماینده قانونی وی و تعداد دیگر از شخصیت‌های برجسته سیاسی فرهنگی مصر، ریاست این هیأت بر عهده خانم سوزان مبارک همسر رئیس جمهور می‌باشد. رئیس جمهور مصر همچنین هیأت امنای دیگری نیز متشکل از شخصیت‌های برجسته جهانی را به منظور وزنه تمدنی کتابخانه انتخاب نمود که در ادامه این گزارش به آنها اشاره خواهیم کرد.

۳. مدیر کتابخانه و مسؤول اجرایی با اختیارات از سوی رئیس جمهور انتخاب می‌شود که حسنی مبارک، دکتر اسماعیل سراج‌الدین را برای احراز این پست انتخاب و وی مشغول به کار شد. دکتر اسماعیل یک شخصیت برجسته جهانی است و بیش از پنجاه تن از دارندگان جایزه جهانی نوبل او را قبلاً برای مدیریت سازمان جهانی یونسکو پیشنهاد نموده بودند. وی تحصیل کرده دانشگاه مصر و دانشگاه هاروارد آمریکا می‌باشد. از آنجا که وی دارای اختیار تام از سوی رئیس جمهور بود، امور اجرایی را با دست باز به اجرا گذاشت و موفق شد از هدایای خارجی برای کتابخانه استفاده کند. و نیز توانست کتابخانه را از هرگونه مالیات معاف کند. همچنین تجهیزات مورد نیاز کتابخانه که از خارج کشور مصر خریداری می‌کرد از شمول مقررات گمرکی معاف نماید.

اینک به معرفی هیأت امنای انتخاب شده از سوی رئیس جمهور به ترتیب حروف تهجی نام آنان می‌پردازیم:

۱. دکتر احمد کمال ابوالمجد از «مصر». فارغ‌التحصیل دانشگاههای مصر و میشیگان آمریکا، رئیس سابق دانشکده حقوق دانشگاه کویت، عضو آکادمی بررسی قانون اسلامی در دانشگاه الازهر قاهره، مشاور فرهنگی مصر در آمریکا، وزیر سابق جوانان مصر، وزیر سابق تبلیغات مصر از سال ۱۹۷۲-۱۹۷۵م و هم اکنون قاضی دادگاه اداری بانک جهانی در واشنگتن.

۲. دکتر احمد زویل از «مصر». برنده جایزه نوبل در شیمی به سال ۱۹۹۹م، فارغ‌التحصیل دانشگاه اسکندریه و دکترای شیمی از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا، هم اکنون استاد کرسی شیمی و فیزیک در انستیتو کالیفرنیا و مدیر کارخانه N. S. F علوم. دارای چندین دکترای افتخاری از دانشگاه آمریکایی قاهره، آکسفورد انگلستان، دانشگاه کاتولیکی لیون بلژیک، دانشگاه

بزرگ جهان در زمینه علوم و یکی از مشهورترین دانشمندان حفاری و نظریه‌تطور، دکترای خود را از دانشگاه کولومبیا به سال ۱۹۶۷م دریافت کرد، هم اکنون استاد علم جانورشناسی دانشگاه هاروارد آمریکا و دبیر کل بخش بلویوتولونی موزه هاروارد، استاد مقیم جانورشناسی در دانشگاه نیویورک از سال ۱۹۹۶م، چند جایزه بین‌المللی دریافت کرده از جمله جایزه مؤسسه ماک آرتور.

۸. طاهر بن حلبون از «مغرب». در سال ۱۹۶۱م به پاریس مهاجرت نمود و چندین کتاب در زمینه‌های شعر و نقد به زبان فرانسه نگاشته و مستمراً در روزنامه لوموند پاریس که یکی از روزنامه‌های معتبر جهان است قلم می‌زند. بهترین جایزه ادبیات فرانسه را برای کتاب لیلۃ القدر در سال ۱۹۸۷م دریافت نمود.

۹. عبداللطیف الحمد از «کویت». رئیس صندوق عربی توسعه اقتصادی و اجتماعی، مدتی وزیر دارایی کویت، وی صندوق توسعه کویت را تأسیس کرد، در چند انجمن بین‌المللی عضویت داشته از جمله هیأت جهانی آب.

۱۰. دکتر فاروق الباز از «مصر». هم‌اکنون رئیس مرکز کنترل از راه دور دانشگاه بوستون آمریکا، که خود آن را به سال ۱۹۸۶م تأسیس کرده، می‌باشد. این مرکز تکنولوژی فضاء در علوم جغرافی و گیولوژی را پشتیبانی می‌کند، دکترای خود را در زمینه گیولوژی از دانشگاه میسوری آمریکا اخذ نموده، در دانشگاه‌های اسیوط مصر و هایدلبرگ آلمان تدریس می‌کند، در برنامه فضائی ناسا در پروژه آپولو به عنوان ناظر بر برنامه‌ریزی‌های کره ماه مسؤولیت داشته است، جوایز زیادی دریافت کرده از جمله جایزه فارغ‌التحصیلان دانشگاه میسوری آمریکا و مدال درجه یک مصر.

۱۱. فیگرس فینبوجادیتز از «آیسلند». مدت ده سال (از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۳م) رئیس جمهور بود، ادبیات را در کنار زبانها در دانشگاه‌های گونوبل و سوربن فرانسه، آبسالا سوئد آموخت. هم اکنون رئیس انجمن بین‌المللی علم و تکنولوژی، مشاور مؤسسه بین‌المللی جوانان و نماینده یونسکو در زمینه زبانها می‌باشد.

۱۲. کارل تام از «سوئد». فارغ‌التحصیل ادبیات و تاریخ دانشگاه استکهلم در سال ۱۹۶۳م، مدیر اجرایی انستیتو اولاف پالمه، در حزب لیبرال سوئد از سال ۱۹۶۹م فعالیت

دارد، عضو پارلمان، وزیر آموزش عالی و علوم، وزیر انرژی و مدیرکل سازمان توسعه بین‌المللی سوئد، هم اکنون عضو کمیته عالی ویژه آموزش عالی سازمان یونسکو و بانک جهانی.

۱۳. کزوو تاکاهاشی از «ژاپن». هم‌اکنون مدیر انستیتو بین‌المللی تحقیقات توسعه مؤسسه بررسی‌های نوین در باره توسعه بین‌المللی در توکیو، دکترای خود را از دانشگاه کولومبیا آمریکا دریافت کرده است.

۱۴. دکتر لیل تکللا از «مصر». شخصیت بین‌المللی مصری، هم اکنون در کمیته‌های حل اختلاف در باره آب خصوصاً رود نیل فعالیت دارد، عضو کمیسیون فرهنگی سازمان ملل در دوره دبیر کلی خاویر پرز دوکلواریا.

۱۵. لوئیس موزیال از «اسپانیا». اکنون مدیر کل مؤسسه «لاکسیا» در بارسلون اسپانیا، استاد سابق تاریخ هنر، عضو چند هیأت باستان‌شناسی، مدتی مدیر کل در سازمان علمی فرهنگی یونسکو بوده است.

۱۶. مارگارت کاتلی کارلسون از «کانادا». در منطقه کولومبیا بریتانیا در کانادا زندگی کرده، مدتی در وزارت خارجه کانادا اشتغال داشت، دکترای حقوق خود را از دانشگاه «رجینا» و دکترای افتخاری ادبیات از دانشگاه سنت‌مری اخذ کرده، چند بورسیه از مؤسسات بین‌المللی نیز دریافت نموده است.

۱۷. ماریانا فارینویانس از «یونان». دکترای اقتصاد خود را در دانشگاه دنور کلورادو در آمریکا اخذ نموده و به زبانهای یونانی، انگلیسی و فرانسه تسلط کامل دارد. هم اکنون نماینده یونسکو در زمینه حمایت از کودکان می‌باشد، دکترای افتخاری خود را به سال ۱۹۹۷م از شفیلد انگلستان دریافت کرده و نامزد دریافت جایزه زنان اروپا به سال ۱۹۹۶م بوده است.

۱۸. مونکو مبوسوا میناتان از «هند». مجله تایمز وی را یکی از ۲۰ شخصیت برجسته آسیا در قرن بیستم میلادی معرفی کرده است. او در کنار دو شخصیت دیگر جهانی گاندی و تاگور انتخاب شده بود. دکترای کشاورزی خود را از دانشگاه کمبریج انگلستان به سال ۱۹۵۲م دریافت کرده است، مدتی مدیر انستیتو هند در زمینه تحقیقات کشاورزی بوده است. در اثر تلاشهای وی نسل بهتری از جو و برنج در هند به دست آمده است و به همین سبب جایزه جهانی غذا را به سال ۱۹۸۷م که نخستین جایزه بوده، دریافت کرده است.

۱۹. هانس پیترگیه از «آلمان». وی در علوم کتابخانه‌ای

نقشه‌های هیروگلیفی و با حروف ابجد همه جهان طراحی شده است. هیچ یک از سقفها در طبقات مختلف قابل رؤیت نیست و همانگونه که نور آفتاب هر صبح از بالاترین نقطه به پایین‌ترین نقطه می‌تابد، در شبها نیز نور چراغها از بالاترین نقطه به پایین‌ترین نقطه نورافشانی می‌کند.

هیئت داوران قبل از برگزاری مسابقه، معیارها و ضوابطی را برای نقشه‌های اجرائی در نظر گرفته و اعلام نمودند که عبارتند از:

۱. رابطه طرح معماری با نمای عمومی شهر اسکندریه و همسوئی آن.
۲. هماهنگی طرح با محیط اطراف آن.
۳. شکل و شمایل طرح.
۴. طراحی ویژه بخشهای اداری.
۵. بررسی موارد اقتصادی طرح به هنگام اجرا.
۶. نمادهای سمبلیک از داخل ساختمان.

برخی پیشنهاد کرده بودند که ساختمان جدید کتابخانه اسکندریه همچون طرح ساختمان قدیمی آن باشد که در سده ۳ قبل از میلاد ساخته شده بود، لیکن چون طرح اولیه و یا تصویر واقعی آن در دست نبود تصمیم گرفته شد تا ساختمانی مدرن و منحصر به فرد ساخته شود و نظیر هیچ یک از کتابخانه‌های بزرگ جهان نباشد. همان گونه که یادآور شدیم شرکت مهندسی نروژی سنوهیتا برنده مسابقه طرح گردید، لیکن انتقاداتی از سوی صاحب نظران به آن طرح گرفته شد، به ویژه در ارتباط با معماری و طراحی نوین و ارتباط آن با ساختمانهای هم‌جوار، و نهایتاً شرکت نروژی این انتقادات را مورد توجه قرار داده و تا حدودی در رفع آنها کوشیده است. تا پایان سال ۱۹۹۹م تنها دیوارهای بتونی و نگاشته‌های حروف زبانهای مختلف جهان آماده گردید. ساختمان از داخل به دو بخش بزرگ تقسیم شده است؛ یکی بخش خدمات عمومی و دیگری بخشهای داخلی با زیرمجموعه اداری هر کدام. در بخش خدمات عمومی این بخشها قرار دارند:

۱. واحد فعالیتهای فرهنگی؛
  ۲. مجموعه‌های کتاب و نشریات ادواری؛
  ۳. مجموعه‌های خاص.
- بخشهای داخلی دارای واحدهای تابعه زیر هستند:
۱. بخشهای اداری شامل دبیرخانه، امور کارکنان،

تخصص دارد، از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱م رئیس اتحادیه جهانی کتابخانه‌ها «ایفلا» بوده است، هم اکنون رئیس مؤسسه همکاری بین کتابخانه‌های اروپا از سال ۱۹۹۱م می‌باشد.

۲۰. ویلیام وولف از «آمریکا». رئیس آکادمی آمریکایی هندسه و رئیس آکادمی ملی علوم، مسوول بازرینی برنامه‌های درسی رایانه‌ای آمریکا، در زمینه رایانه فعالیتهای چشمگیر دارد.
۲۱. وول سونیکا از «نیجریه». برنده جایزه نوبل در ادبیات به سال ۱۹۸۶م، دکترای خود را به سال ۱۹۷۳م از دانشگاه لیذر انگلستان گرفته است. مدت ۶ سال در انگلستان به عنوان نماینده نویسنده در «رویال کورت» لندن به کار اشتغال داشته است. ۲۰ کتاب در نقد و ادبیات داستانی و شعر نگاشته است.
۲۲. یولندا کاکا کابیدزو از «اکوادور». روانشناسی را در دانشگاه کاتولیکی کیوتو ادامه داده و با آغاز فعالیتهای محیط زیست کار او آغاز گردید. او مدتی مدیر اجرائی مؤسسه طبیعت «ناتورا» در کیوتو تا سال ۱۹۹۰م بود. در اجلاس زمین نیز در سال ۱۹۹۰م نیز فعال بوده است. چند مسؤولیت در زمینه حفاظت از محیط زیست دارد.

## بررسی طرح جدید کتابخانه اسکندریه

زمین پروژه بالغ بر چهل هزار متر مربع در امتداد جزئی از جزیره فاروس قدیم که محل سابق کتابخانه قدیم اسکندریه در کنار بلوار فعلی ساحل دریا بوده، واقع شده است. سازمان ملل مبلغ ۶۰۰۰۰۰ دلار جهت انجام مناقصه واگذاری طرح اختصاص داد، ۱۴۰۰ مهندس و آرشیتکت از ۷۷ کشور جهان برای شرکت در مسابقه معماری طرح اعلام آمادگی کردند. و سرانجام پس از بررسی طرحهای واصله، طرح شرکت مهندسی نروژی «سنوهیتا» بهترین طرح شناخته شده و برنده مسابقه گردید و اجرای پروژه به عهده آن شرکت واگذار شد. پروژه به شکل قرص خورشید، که در آب دریا غروب کرده است و القا می‌کند که کتابخانه همچون خورشید همیشگی است، طراحی شده است و هر فرد که در بالاترین بخش آن قرار گیرد می‌تواند تمامی ساختمان را مشاهده کند. همچنین بیشترین استفاده از نور خورشید جهت صرفه‌جویی در مصرف برق شده است. سقف نهایی آن کاملاً از شیشه‌های مخصوص ساخته شده و در دیوارهای بتونی آن هیچگونه سوراخ یا دریچه‌ای وجود ندارد. بر روی دیوارهای خارجی



مخابرات، ترابری، امور مالی و اداری و غیره.

۲. بخشهای علمی - پژوهشی که ضمناً وظیفه خرید کتاب اعم از خطی و چاپی، فهرست‌نگاری، رده‌بندی رایانه و غیره را بر عهده دارد.

۳. بخشهای فنی شامل دو بخش، بخش نخست وظیفه مرمت و بازسازی مجموعه‌های کتابی و حفاظت و نگهداری تجهیزات و دستگاههای نصب شده کتابخانه را عهده‌دار است و بخش دوم نیز عهده‌دار حفاظت و صیانت از مجموعه ساختمانها و امنیت و حراست و نیز نظافت می‌باشد.

طبق برنامه زمان‌بندی شده، قرار بود یک انستیتو برای آموزش علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی به نام «پژوهشکده بین‌المللی اطلاع‌رسانی» وابسته به این کتابخانه در سال ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳م افتتاح گردد، لیکن علی‌رغم تصویب مواد آموزشی آن، بنابر عللی که مشخص نیست، انجام نشد.

در بخشهای فعالیتهای فرهنگی وظیفه روابط عمومی دعوت همگان به کتابخانه و جذب بیشتر خوانندگان و استفاده‌کنندگان از منابع موجود کتابخانه و برپایی نمایشگاههای ویژه کتاب و تجهیزات کتابخانه‌ای به صورت دائم و موقت و نیز تنظیم برنامه‌های هنری از جمله جشنهای موسیقی و ریزنیهای فرهنگی و اجلاسها می‌باشد. موزه خطوط، تاریخ علوم، تجهیزات کتاب آرایی، فروشگاه کتاب و نیز در کنار کتابخانه رصدخانه اخترشناسی همچون طرح ساختمان قدیم قرار گرفته است.

مجموعه‌ای نیز به فهرس کتابخانه‌ها، کارت‌برگهای اطلاع‌رسانی و بخش امانی اختصاص داده شده که خود به چند بخش به ترتیب زیر تقسیم شده است:

۱. مراجع عمومی و تخصصی؛
۲. جغرافیا، تاریخ و تراجم؛
۳. علوم اجتماعی، هنر و تاریخ علم؛
۴. زبان و ادبیات؛
۵. علوم گوناگون «تکنولوژی».

مجموعه‌های ویژه و خاص عبارتند از:

۱. مواد دیداری و شنیداری و الکترونیکی؛
۲. کتابهای چاپی نادر از اوائل صنعت چاپ و اسناد مهم و ارزشمند؛
۳. مجموعه‌نقشه‌ها شامل جغرافیا، گیولوژی، باستانی و غیره؛

۴. نوار و صفحات موسیقی ضبط شده و یا نوتهای آنان.

این کتابخانه به گونه‌ای طراحی شده تا ۴ میلیون جلد کتاب را در خود جا دهد.<sup>۱</sup> در آغاز موجودی آن بالغ بر دویست هزار جلد می‌باشد، البته این کتابخانه به گونه‌ای طراحی شده که تا چند سال دیگر ظرفیتهای آن کامل شده و جایی برای استقرار کتابهای بعدی وجود ندارد مگر آنکه بیمارستانی که در کنار ساختمان کتابخانه قرار گرفته و یا «مجمع تئوری دانشگاه اسکندریه» که هر دو در پشت آن قرار دارند خریداری و به مجموعه افزوده گردد.

در باره هویت کتابخانه جدید اسکندریه در بیانیه رئیس جمهور که قبلاً به آن اشاره شد چنین آمده است:

۱. تشکیل هیأت عمومی برای کتابخانه اسکندریه که دارای شخصیت اعتباری و مقر آن شهر اسکندریه و زیر نظر وزیر آموزش عالی قرار گیرد.

۲. هدف هیأت به گونه‌ای است که این کتابخانه را جهانی و مرکز اشاعه فرهنگ و اندیشه بشری در باره مباحث علمی و دربرگیرنده تمامی آثار علمی از کل تمدنهای قدیم و جدید به هر زبان و مسلک و مذهب و انجام بررسیهای مرتبط با اساسهای تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی برای مصر و منطقه خاورمیانه به طور عام و شهر اسکندریه به طور خاص بنماید.

لازم به یادآوری است در این بند اغراق جدی وجود دارد، زیرا این کتابخانه و یا هر کتابخانه دیگری در جهان نمی‌تواند بند ۲ این بیانیه را تحقق بخشد، چرا که سالانه بیش از یک میلیون عنوان کتاب از سوی تمدنهای مختلف منتشر می‌شود، به اضافه حدود سه میلیون گزارش علمی در بولتنهای گوناگون، نیم میلیون عنوان نشریه ادواری، دو میلیون برگ میکروفیش، دو میلیون نوار یا دیسک و صفحات دیداری و شنیداری (CD). بزرگ‌ترین کتابخانه جهان در حال حاضر کتابخانه کنگره آمریکاست که در حدود سال ۱۸۰۰م تأسیس شده و تا به امروز بیش از ۱۲۰ میلیون کتاب به زبانهای مختلف و موضوعات گوناگون در خود جا داده و کارکنان آن

۱. متأسفانه قبل از افتتاح و نیز پس از آغاز به کار کتابخانه، مسؤولان آن آمارهای مختلفی در مورد آن ارائه داده‌اند که مشخص نیست کدام یک واقعیت دارد، نخست گفته شده گنجایش ۴ میلیون، در گزارش بعدی ۸ میلیون، و در گزارشی دیگر ۳ میلیون جلد کتاب همچنین موجودی کتابخانه به هنگام افتتاح، برخی گزارشها دویست هزار جلد و برخی دیگر چهارصد هزار جلد ارائه گردیده است که دقیقاً مشخص نیست.

۶. جمع‌آوری پژوهش‌های مربوط به تاریخ پزشکی و دیگر علوم و دستاوردهای جنبش علمی نوین.
۷. تشکیل انستیتوهای عالی بین‌المللی برای کتابخانه‌های بزرگ جهان.
۸. بنیاد تالارهای نمایش و به نمایش گذاشتن تاریخ کتابت و ادوات کتاب آرایی همچنین سالنهای موسیقی.
۹. ساخت تالارهای یادبود دانشمندان و رجال اندیشه و علم در تاریخ بشریت.
۱۰. تشکیل کتابخانه دیداری و شنیداری «سمعی و بصری» و آرشیو یا بایگانی فیلم، تصویر و اسلایدهای رنگی و معمولی شخصیتها و اماکن مهم و تاریخی در منطقه.
۱۱. آماده‌سازی شبکه الکترونیکی جهت تبادل اطلاعات با دیگر کتابخانه‌های جهان و مؤسسات فرهنگی بین‌المللی.
۱۲. آماده‌سازی فهرس کامل رایانه‌ای در تمامی موضوعات مربوطه.
۱۳. تشکیل مرکز اسناد و آمار.

۱۴. تشکیل و راه‌اندازی واحد مرمت اسناد و نسخه‌های خطی و کتابهای ارزشمند و جلدسازی و ارائه همه‌گونه تسهیلات جهت تصویرسازی به همه انواع آن.

البته به علت عدم وجود کادر متخصص علمی موجود، با آنکه سالهاست از آغاز اجرای این پروژه گذشتهاست، خرید و انبار کتاب به گونه‌ای غیر علمی انجام گرفته و حتی قرار بود ۲۰۰۰۰۰ جلد به هنگام افتتاح کتاب در مخازن آن جمع‌آوری شده باشد که میسر نشده است. در سال ۱۹۹۲م نسخه‌های خطی و کتابهای کهن چاپی را از کتابخانه استانداری به کتابخانه جدید منتقل و آنها را آماده ساخته‌اند. «بخش مرمت در حال حاضر بر عهده کارشناسان ایتالیایی می‌باشد» همچنین فهرست نسخه‌های خطی موجود کتابخانه که از دیگر کتابخانه‌های اسکندریه از جمله کتابخانه شهرداری اسکندریه و کتابخانه مسجی المرسی ابوالعباس و غیره جمع‌آوری و بالغ بر پنج‌هزار جلد است، آماده انتشار می‌باشد.

### مشخصات ساختمان جدید کتابخانه اسکندریه

طرح جدید که اجرای آن از سوی متخصصان و کارگزاران مصری انجام شده، اهمیت این بنای عظیم را که نمایانگر میراث بشری است، آشکار ساخته است. نزدیکی آن به دریا،

بالغ بر شش هزار نفر می‌باشد و بودجه سالانه آن تا چند سال قبل بالغ بر نیم میلیارد دلار بوده و دارای دفاتری در اقصی نقاط جهان برای جمع‌آوری کتاب می‌باشد و هر روز بیش از بیست هزار جلد کتاب به مجموعه آن افزوده می‌شود که در هر سال بالغ بر هفت میلیون جلد بالغ می‌گردد. علی‌رغم اعتبارات کافی و کادر مجرب و ورزیده، هیچ‌گاه ادعای جهانی شدن نکرده و یا نتوانسته است بنماید. چنین کاری هرگز در جهان میسر نخواهد شد. دیگر کتابخانه‌های بزرگ جهان از جمله کتابخانه بریتانیا، کتابخانه ملی فرانسه، کتابخانه لنین در مسکو، کتابخانه توکیو در ژاپن و غیره علی‌رغم اعتبارات کافی و کادر متخصص هیچگاه ادعای جهانی شدن نداشته‌اند، با توجه به اینکه کتابخانه جدید اسکندریه هر چه فعالیت گسترده داشته باشد به این زودیاها به کتابخانه ملی قاهره (دارالکتب) نخواهد رسید، زیرا کتابخانه قاهره از لحاظ نسخه‌های نفیس خطی اسلامی و کهن دومین کتابخانه جهان و بیش از یکصد هزار و اندی نسخه خطی را در خود دارد و اهمیت هر کتابخانه‌ای در جهان به وجود نسخه‌های خطی نفیس است. و الا کتابهای چاپی روز چندان ارزشی ندارد، به ویژه آنکه در این عصر و زمان بیشتر افراد از رایانه بهره‌مند می‌شوند و نیاز به استفاده مستقیم از خود کتاب نخواهند داشت.

در بند سوم بیانیه رئیس جمهوری مصر آمده است که کتابخانه می‌تواند جهت انجام وظائف خود موارد زیر را به اجرا بگذارد:

۱. جمع‌آوری کتاب، نشریات به هر زبان و با هر بها، و یا تصاویر آنها به ویژه آنچه در ارتباط به میراث علمی و تئوری کشورهای مشرف به دریای مدیترانه و منطقه خاورمیانه باشد.
۲. جمع‌آوری بررسیهای ویژه تمدن مصر از اعصار مختلف و منابع نوشتاری در تمامی زبانهای مصر باستان، یونانی، لاتینی، آرامی، قبطی و یا عربی.
۳. جمع‌آوری و خرید نسخه‌های خطی و یا تصاویر آنها اعم از عربی، فارسی، ترکی، عبری، سریانی و سایر لغات شرقی که حاوی دستاوردهای فکری جهان اسلام باشد.
۴. جمع‌آوری و آماده‌سازی بررسیهای تاریخی و علمی در مورد قاره آفریقا، شامل نقشه‌ها و پژوهشهای علمی روز.
۵. جمع‌آوری پژوهشهای مربوط به تاریخ جهان به ویژه منطقه خاورمیانه.

طراحی شکل ظاهری ساختمان که به صورت استوانه‌ای مایل به سوی دریاست، نشانگر تمدن کهن مصر است که سایه آن بر دیگر تمدنهای بشری افکنده بوده است.

شکل این استوانه در واقع نظیر صفحه CD با قطری بالغ بر ۱۶۰ متر و زاویه ۸۸/۲۲ درجه و به عمق ۱۵/۸ متر در زمین فرورفتگی دارد و ارتفاع آن نیز از سطح زمین تا بالاترین بخش ۳۷ متر می‌باشد، بدین ترتیب که یک سوم ساختمان در زیر زمین و دو سوم آن بر روی زمین استقرار یافته است. بخش فرورفتگی در زمین اشاره به گذشته تاریخ دارد و نمای بیرونی آن اشاره به آینده دارد. برای حفاظت از این قرص مدور دیواری از سنگهای سخت و گرانبهای گرانیت که از منطقه اسوان در جنوب مصر به تعداد ۶۰۰۰ قطعه فراهم شده و بدون صیقل ساخته شده است و بر روی آن کلیه حروف هیروگلیفی و لغات قدیم و جدید اقوام جهان تراشیده شده است.<sup>۱</sup> اینجانب شخصاً آنها را از نزدیک مشاهده کرده‌ام و بسیار زیبا و دل‌انگیز می‌باشد، و نیز این استوانه به مثابه قرص خورشید است که از مصر به جهان نورافشانی می‌کند. البته این تعبیر در بروشور و بولتهای آن کتابخانه آمده و نظریات شخصی اینجانب نمی‌باشد.

خلاقیت و کارآیی مهندسان در طراحی این کتابخانه به گونه‌ای است که هیچگونه نیازی در روز به ساعت نخواهد بود، زیرا هنگامی که آفتاب در صبح به کتابخانه می‌تابد روشنایی داخل رنگ سبز به خود می‌گیرد و چنانچه رنگ آن قرمز شد، ظهر فرا رسیده است. البته این روند مربوط به تابش آفتاب بر روی شیشه‌های رنگین ساختمان می‌باشد که قبلاً هر یک بر جای خود قرار گرفته است. این ایده برگرفته از آثار فراغنه مصر می‌باشد.

نمای داخلی ساختمان اشاره به دریا دارد، زیرا سالن بزرگ مطالعه داخلی که از هفت طبقه تشکیل شده همچون آبشاری ساخته شده و پله‌های آن نمایانگر سرازیر شدن آب از آنها می‌باشد و سقفهای شیشه‌ای آن شبیه بادبانه‌های قایق می‌باشد. نور طبیعی داخل بافته‌ای از رنگهای سفید، آبی و اندکی سبز بر سقف شیشه‌ای تالار که در یک زمان ۲۵۰۰ نفر مطالعه کننده را در خود جای داده، می‌تابد. انتخاب هفت طبقه ساختمان بر روی زمین دلالت بر آسمانهای هفت‌گانه دارد. همچنین هفت آسمان فکر و اندیشه بشری در اعصار

گذشته. انتخاب هفت رنگ که بر شیشه‌های ساختمان قرار دارد، احتمالاً احیای اندیشه و تشعشع آن حکایت دارد. هفت طبقه سالن مطالعه شاید اشاره به طبقات تمدن بشر دارد در هنر، علوم و ادبیات به انواع گوناگون آن. و در طبقه هفتم تمدن قرن بیستم را نظاره می‌کنیم.

سنگهای گرانیتم گرانیت که در بالا اشاره شد، دیوارهای خارجی کتابخانه را تشکیل می‌دهد و به گونه‌ای طبیعی برش داده شده بدون استفاده از تکنولوژی جدید.<sup>۲</sup> در ابعاد ۲×۱ و ۱×۱ متر که وزن برخی از آنها گاه بالغ بر ۳ تا ۵ تن می‌شود. حروف هیروگلیفی گوناگون زبانهای جهان که بر روی سنگها حفاری شده، در مدت ۲۰ ماه به انجام رسیده است. سنگهای گرانیتی که در این ساختمان قرار گرفته شده، بالغ بر هشت برابر سنگی است که برای تمامی موزه‌های مصر از عصر فرعونیان تا کنون بوده است. برخی از کارشناسان انگلیسی از حکاکی بر روی سنگهای گرانیک در مدت ۲۰ ماه بدون استفاده از تکنولوژی جدید متعجب شده‌اند،<sup>۳</sup> چرا که بنابر ادعای آنان حتی با استفاده از رایانه برای انجام این کار به بیش از چند سال زمان نیاز داشته است. لیکن جوانان مسلمان مصری حفاری ۶۰۰۰ متر مربع را در کمتر از دو سال انجام داده‌اند. سالن همایشهای کتابخانه به صورت هرم ساخته شده است. کل ساختمان با صرف هزینه‌ای بالغ بر ۲۵۰ میلیون دلار<sup>۴</sup>

۱. از خانم یورون سازز از دفتر مهندسی سنوینتا نروژی مسؤل اجرای پروژه در مورد این دیوار و سنگ نوشته‌ها سؤال شد و وی پاسخ داد: این کار دو هدف داشت: نخست، نشان دادن علم و دانش و رابطه گسترده و قوی آن با کتابخانه اسکندریه از قدیم‌الایام. دوم، ترسیم نمودن یک شکل زیبا و چشمگیر بر دیوار خارجی کتابخانه که متشکل از دیوار درونی و برونی است و حروفی که بر روی دیوار حفاری شده، به معنی پیامی از سوی کتابخانه است و گویی دریچه‌ای برای کل جهان و بالعکس دریچه جهان بر مصر.

۲. خانم میاده حسن واصف مسؤل نمایشگاههای کتابخانه برخلاف مطالب فوق که در بروشورهای آن کتابخانه آمده اظهار داشته است: حروف حفاری شده بر دیوارهای خارجی کتابخانه به صورت الکترونیکی و با وسایل خاص و مدرن حفاری شده‌اند. حال مشخص نیست که کدام یک صحیح است. متأسفانه در نحوه اجرای طرح تناقضات فاحش وجود دارد که به برخی از آنها در این گزارش اشاره کرده‌ام. نمی‌دانم منظور از این تناقض گویی چیست؟

۳. همان گونه که قبلاً اشاره شد طبق اظهارات مسؤلان طرح، هیچ گاه حکاکی سنگهای گرانیت با دست استفاده نشده و از آخرین تجهیزات مدرن رایانه‌ای برای حکاکی آن استفاده شده است.

۴. این رقم گاه ۱۶۱ میلیون دلار و گاهی ۲۰۰ و گاه بیش از ۲۵۰ میلیون دلار اعلام شده است. متأسفانه رقم دقیق آن به دست نیامد.

اول: مقاومت برای بخش ساخته شده زیر ارتفاع آبهای زیرزمینی.

دوم: مقاومت فشاری را که از ساخته‌های روی زمین باشد.  
سوم: مقاومت دو فشار ذکر شده به طور همزمان، هنگامی که تعداد کتابهای موجود در کتابخانه از حد استاندارد خود (بالغ بر هشت میلیون جلد) تجاوز کند. به علت حساسیت کار و ظرافت خاصی که داشته است، چهار شرکت مهندسی چند ملیتی از انجام کار ساختمانی سرباز زدند و شرکت دولتی مهندسی مصر این پروژه را با تسلط کامل به پایان رساند.

## طبقات کتابخانه

کتابخانه در یازده طبقه ساخته شده که چهار طبقه آن زیر زمین و هفت طبقه دیگر بر روی زمین قرار گرفته است. در طبقات زیرین نیز دریا نشان داده می‌شود و انسان هیچگاه احساس نمی‌کند که در زیر زمین قرار گرفته است.

## طبقه نخست

شامل اسناد، کتابهای نادر، نقشه‌های جغرافیایی، فلسفه و ادیان جهان.

## طبقه دوم

کتابهای ادبی به زبانهای گوناگون، علوم انسانی، بخش ویژه زبانها و تبلیغات.

## طبقه سوم

کتابهای هنر، معماری، موسیقی، همچنین کتابهای هنری مختلف.

## طبقه چهارم

مراکز اداری، نشریات ادواری علمی و مطبوعات رسمی همچنین کتابهای نادر و نسخه‌های خطی و موزه خطوط.

## طبقه پنجم

مرکز اداری، تالارهای ویژه روشندان، مراحل گوناگون تشکیل موزه‌ها و سالن‌های یادبود کتابخانه اسکندریه.

## طبقه ششم

کتابخانه جوانان، نوجوانان، تکنولوژی اطلاع‌رسانی در علوم نوین و هر آنچه به محیط زیست و انرژی و رایانه و اطلاع‌رسانی تعلق دارد.

ساخته شده است. ساختمان بر روی ۶۰۰ ستون بلند که به روش تخلیه از بتون مخصوص پُر شده مستقر شده است. دیوارهای طرح به گونه‌ای است که از هر گونه نفوذ حرارت و یا آب دریا به داخل و یا خروج هوا از داخل به خارج محافظت می‌کند. همچنین استقرار ۳ طبقه ساختمان در زیر زمین باعث شده تا وزن ساختمان بر روی زمین زیاد نشود و همانگونه که یادآور شدیم نزدیک به ۱۶ متر از ارتفاع ساختمان در زیر زمین قرار گرفته است. تمایل ساختمان به سوی دریا با شدت ۱۶ سانتیمتر راه مشاهده دریا را از همه زوایا میسر ساخته است. کتابخانه دارای یک قبه و یا گنبد آسمانی به صورت کره بزرگ جغرافیایی است که موزه علوم نوین با مساحتی بالغ بر ۴۵۰ متر مربع در آن قرار گرفته است. عمق بیش از ۱۶ متر زیر زمین کمتر در ساختمانهای بزرگ جهان وجود داشته است. یادآوری می‌شود کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - رحمت‌الله علیه - بالغ بر دوازده متر زیر زمین و نزدیک به ۳ متر دیگر قبل از آن در زیر طبقات کانال‌سازی شده است.

برای نخستین بار در مصر از نوعی سیمان با مخلوطی از براده‌های معان خاص جهت مقاومت بیشتر در برابر آب دریا ساخته شده و در این ساختمان به کار رفته تا مانع از نفوذ آب دریا - که شوری آن باعث سست شدن سیمان و یا اکسیده شدن فولاد می‌شود - به داخل ساختمان شود. برای آنکه عمر ساختمان به ۲۰۰ سال برسد، تجهیزات ویژه مدرن برای اندازه‌گیری نسبت سرایت آب شور دریا به فولاد و سیمان به طور ادواری نصب شده است. طبق نظر کارشناسان مربوطه نخستین اعلام خطر ۴۵ سال بعد خواهد بود و در این صورت با تزریق نیروی برق ضعیف به تمامی اسکلت‌های فولادی زیر زمین، عملیات اکسیدگی را متوقف خواهد ساخت. هنگام اجرای طرح، آب جمع‌آوری شده در عمق ۱۸ متری دریا بوسیله تکنولوژی پیشرفته - که به هنگام پلسازیهای بزرگ در بستر دریا یا اقیانوسها استفاده می‌شود - تخلیه شده است.

از ابتکاراتی که دکتر ممدوح حمزه استاد معماری و مشاور مصری پروژه برای رویارویی با تحمل فشار پیش‌بینی کرده، سازه‌های روی زمین و آزاد سازی و کم وزن بودن تأسیسات زیر زمین به علت فشار آب دریا، از سه روش مختلف مقاومت به ترتیب زیر استفاده نموده است:

طبقه هفتم

انستیتو بین‌المللی بررسی‌ها و اطلاع‌رسانی ISIS. طبقات ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱، شامل سالن‌های گفتگو و سمپوزیوم‌ها، همچنین کتابهای کتابخانه «المرسی ابوالعباس» که شامل مجموعه‌ای گرانسنگ از کتابهای نادر در علوم قرآن و حدیث و فقه می‌باشد. در کنار آن کتابهای شیمی، ریاضیات، فیزیک، اخترشناسی، زبان عربی، و نیز محل استقرار مدیریت کتابخانه و مخازن اطلاعات سنتی الکترونیکی و میکروفیلمی و به عبارت دیگر - که دکتر حسن زهران توضیح داده است - کتابخانه دارای بخش‌های زیر می‌باشد:

۱. کتابخانه سمعی و بصری (دیداری و شنیداری) در برگرفته نوارهای سمعی و بصری و علمی و تخصصی در زمینه پژوهش‌های علمی و غیره.
۲. کتابخانه موسیقی، شامل بررسی‌های مربوط به موسیقی و نقد آن، این بخش با همکاری کشور اتریش راه‌اندازی شده است و شامل کپی از تمامی نوت‌های جهان از مشاهیر هنر و موسیقی می‌باشد.
۳. کتابخانه ویژه روشندان با تمامی تجهیزات مربوطه.
۴. مرکز کارکنان برای ارائه خدمات توسعه‌های نوین، سرمایه‌گذاری در امور صنعت یا مدیریت جهانگردی و نیز کشاورزی.
۵. کتابخانه جوانان، شامل تمامی اطلاعات لازم و مفید ویژه جوانان در کلیه زمینه‌ها.
۶. کتابخانه نوجوانان و کودکان شامل موضوعات ویژه کودکان علمی و فرهنگی و آنچه تفکرات آنان را گسترش دهد؛ نظیر مطبوعات و برنامه‌های الکترونیکی و رایانه‌ای.

تالار بزرگ همایشها

این تالار گنجایش ۱۷۰۰ نفر را دارد و دارای کلیه تجهیزات لازم از قبیل ترجمه همزمان به تمامی زبانهای زنده و مجهز به تجهیزات مدرن سمعی و بصری و سالنهای سمپوزیوم و گفتگو و روابط بین دانشمندان و تالار محققان.

این کتابخانه دارای یک گنبد آسمانی، موزه علوم، موزه مخطوطات، کارگاه مرمت و مرکز بین‌المللی همایشهای اسکندریه می‌باشد.

قرار است موزه کتابخانه به یکی از بهترین موزه‌های

کشور مصر تبدیل شود، مساحتی بالغ بر یکهزار متر مربع و حاوی ۸۴۰ قطعه و اثر نفیس و عتیقه از اعصار گذشته تاریخ می‌باشد. دولت یونان تعدادی از ویرینه‌های ویژه نمایش آثار نفیس و هنری ارزشمند را به کتابخانه اهداء نموده است. برخی از این آثار نمایانگر مکتبهای هنری منطقه اسکندریه در عصر بطلمیوسی به ویژه زندگی روزانه در عصر بطلمیوس اول بنیانگذار کتابخانه می‌باشد؛ از جمله دمپائی ساخته شده از کاه، ماسک و ظروف سفالین.

در این موزه اشیای ویژه خواندن و نوشتن، همچون قطعه‌ای از «تراکوتا» با نقش دختری حامل لوحی از «اردواز» مخصوص مطالعه و جوهردان، پَر و مقلمه چوبی به عنوان ادوات کتابت عصر بطلمی و نیز مجموعه‌ای از پاپیروس به ضمیمه مجسمه‌هایی از خدایان حکمت (ایبس) در اندازه‌های مختلف و تکه‌های برنز موجود می‌باشد. ساختمان کتابخانه ایده طراحی شده‌ای بر روی ۲۲۰۰ طراحی ترسیم شد و سرانجام به ۱۴۰۰ طرح اجرائی مبدل شد. طراحی به مدت ۲۰ ماه به طول انجامید و اجرای آن بالغ بر ۶ سال گردید. این طرح به هر بازدیدکننده اجازه می‌دهد تا به هر گونه اطلاعات اینترنتی در اقصی نقاط جهان دسترسی یابد.

مساحت کتابخانه با ملحقیات بالغ بر ۹۵۰۰۰ متر مربع به اضافه ۲۰۰۰۰ متر مربع سالن جشنها و همایشهای بزرگ می‌باشد. مساحت تالار مطالعه ۲۰۰۰۰ متر مربع است و دارای واحد مطالعه خاص از جمله ۳۸ واحد مجهز به تجهیزات سمعی و بصری و گنجایش ۲ تا ۲۵۰۰ نفر مطالعه کننده را دارد. مساحت مرکز تحقیقات تکنولوژی و اطلاع‌رسانی بالغ بر ۸۰۰۰ متر مربع است که بر سه طبقه تقسیم شده و شامل سالن سخنرانی، مدرسه و کارگاه زبان، و کتابخانه خاص است. کتابخانه کودکان با مساحت ۳۴۵ متر مربع با گنجایش ۱۳۸ کودک همزمان. کتابخانه موسیقی با مساحت ۱۰۰۰ متر مربع. مساحت مخازن کتابخانه نزدیک به ۱۷۰۰۰ متر مربع با گنجایش ۸ میلیون جلد کتاب و انواع دیجیتالی اطلاعات به ضمیمه مخزن کتابهای نادر به مساحت ۵۵۲ متر مربع و مخازن و نقشه‌های نایاب با مساحت ۳۰۰۰ متر مربع است.

دکتر محسن زهران که خود آرشیوتکت برجسته‌ای است و در این پروژه نقش ویژه‌ای در انتقال تصورات معماری به حقیقت

مسئولان مربوطه اعلام نمودند، به علت جنگ اسرائیل علیه فلسطینیان که قرار بود در اپریل ۲۰۰۲م افتتاح شود، مجدداً به تأخیر افتاد و نهایتاً در اکتبر سال ۲۰۰۲م برابر مهر ماه ۱۳۸۱ش این قرار تحقق یافت و مراسم رسمی افتتاحیه با حضور میهمانانی از کشورهای مختلف برگزار گردید.

### گزارش سفر و شرکت اینجانب در مراسم افتتاحیه رسمی

به دعوت رسمی دکتر اسماعیل سراج‌الدین رئیس کتابخانه جدید اسکندریه مصر از اینجانب جهت شرکت در مراسم افتتاحیه آن کتابخانه بزرگ در روز ۱۴ اکتبر/ ۲۲ مهرماه سال جاری از طریق دبی عازم آن کشور شدم. پس از ورود به قاهره و یک شب اقامت در آن شهر، صبح زود بعد طبق قرار قبلی به اتفاق آقای دکتر جلالی نماینده ایران در سازمان علمی فرهنگی ملل متحد یونسکو در پاریس و در معیت رئیس منطقه شمال آفریقای یونسکو با اتومبیل عازم شهر اسکندریه شدیم. فاصله بین قاهره و اسکندریه ۲۲۰ کیلومتر است. پس از ورود به اسکندریه به هتلی که از قبل برای میهمانان مراسم در نظر گرفته بودند، رهسپار شدیم و شب به استراحت پرداختیم و نظر به مسائل امنیتی مراسم که با حضور تنی چند از رؤسای جمهور کشورهای مختلف برگزار می‌شد، شهر اسکندریه را به کلی تعطیل کرده بودند و راههای منتهی به ساختمان جدید کتابخانه که مراسم در آن برگزار می‌شد مسدود ساخته بودند و بدین سبب امکان خروج از هتل برای ما میسر نبود. ساعت ۳ بعد از ظهر میهمانان را با یک اتوبوس ویژه به کتابخانه بردند. پس از بازرسی جدی میهمانان و تطبیق گذرنامه آنان با کارت ویژه دعوت که مربوط به دفتر ریاست جمهوری مصر بود، وارد محوطه کتابخانه جدید شدیم. از قبل جای هر فرد را با ذکر نام هر کس برای نشستن در نظر گرفته بودند. یک نفر ما را تا جایگاه ویژه میهمانان و شخصیتها راهنمایی کرد. پس از استقرار در جایگاه به تدریج دیگر افراد از جمله شخصیتهای برجسته سیاسی و فرهنگی مصر در جایگاه مستقر می‌شدند. به هر نفر یک جلد کتاب مربوط به ساختمان جدید کتابخانه اهدا کردند. در ساعت مقرر رئیس جمهور مصر و همسرش، ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه و همسرش، و رؤسای جمهور چند کشور دیگر و همسر پادشاه اسپانیا و نیز همسر پادشاه

عینی داشته است، و مجله معروف ARCHITECTURE ساختمان کتابخانه جدید اسکندریه را یکی از زیباترین ساختمانها در سال ۲۰۰۲م عنوان کرده است.

مجموعه این پروژه عبارت است از ساختمان کتابخانه و قبه آسمانی و پل ارتباطی میان دانشگاه اسکندریه و بلوار ساحل دریا به ضمیمه پارکینگهای بزرگ و دریاچه مصنوعی در اطراف که ساختمان را احاطه کرده است. بازدیدکنندگان نخست از درهای بزرگ ورودی داخل شده و آن گاه به یک سالن زیبای آینه کاری وارد شده که الگوی آن از خاندان بطالمة باستان اخذ شده است. این سالن در سه ارتفاع مختلف امتداد می‌یابد. دیوارهای این سالن برای برپایی نمایشگاههای هنری آماده دارد. فروشگاه کتاب و کتابخانه کودکان نیز در این بخش قرار گرفته است. همچنین کافه تریا پس از خروج از این سالن با راهروی تنگی که ما را به سالن «کالیماخوس» شاعر و مدیر کتابخانه قدیم اسکندریه راهنمایی می‌کند.

این طرح به هنگام اجرا با مشکلات جدی مواجه گردیده است، از جمله طبقات ساختمان یکسان نیست و هر طبقه با طبقه بالایی خود متفاوت بوده و خود مشکلاتی را به وجود آورده است. تهیه این حجم بزرگ سنگ گرانیت ممتاز یک رنگ بسیار مشکل بوده است و سرانجام منطقه‌ای را در اسوان کشف کردند که معدن بزرگی از سنگهای گرانیت یک رنگ بوده است ولی با این حال اندکی رنگهای آنها تفاوت داشته و به ناچار از روش فراعنه استفاده کرده‌اند که روی سنگها را صیقلی نکرده و اندکی ناهموار بوده و به گونه‌ای طبیعی و یک رنگ جلوه می‌کند. و از اینکه طبقات ساختمان یکنواخت نیستند، به ناچار ماکت‌های مختلفی را ساخته‌اند و بیش از چهل‌هزار نقشه را پنجاه مهندس مصری ترسیم نموده‌اند.

### مراسم افتتاح رسمی ساختمان جدید کتابخانه

همان گونه که قبلاً اشاره شد، زمان افتتاح چندین بار به تأخیر افکنده شد. مرحله اول مقرر گردید در ژوئیه سال ۱۹۹۵م باشد، لیکن همسر رئیس جمهور مصر، سوزان مبارک که مسؤول و پیگیری پروژه را بر عهده داشت روز ۲۳ مارس ۲۰۰۲م روز جهانی کتاب را برای افتتاح اعلام نمود. بازگشایی آزمایشی در ماه اکتبر ۲۰۰۱م و به فاصله شش ماه قبل از مراسم رسمی افتتاح انجام شد، لیکن بنابر دلایلی که دقیقاً روشن نیست و

اردن و بسیاری دیگر که آنها را نمی‌شناختم، وارد جایگاه شدند. مراسم در رأس ساعت مقرر آغاز گردید. آقای دکتر جلالی به عنوان نماینده رئیس کل یونسکو از پاریس در این مراسم شرکت کرده بود. نخست رئیس کتابخانه اسکندریه گزارش کوتاهی از روند شکل‌گیری ساختمان جدید ارائه داد. سپس چند تن دیگر به ایراد سخنرانی پرداختند. اینجانب از اینکه مسؤولان آن کشور این‌گونه اهتمام به مسائل فرهنگی و ملی خود دارند و برای افتتاح یک کتابخانه که هنوز منابع آن تکمیل نبود و دارای نسخه‌های خطی اندکی است، بی‌نهایت متأثر شدم و اشک بر گونه‌هایم جاری شد که ما در ایران دارای کتابخانه عظیمی با این ذخایر عظیم بی‌نظیر که از سوی یک مرجع تقلید با مشکلات فراوان فراهم و تقدیم جامعه اسلامی شده، چگونه است که برخی نسبت به آن بی‌تفاوت هستند. جداً اگر این کتابخانه در دیگر کشورها قرار داشت، تبلیغات زیادی در مورد آن راه می‌انداختند. تأثر من آن‌گاه بیشتر شد که بیشترین افراد خارجی شرکت‌کننده با نام کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) آشنا بودند. با خود گفتم خدایا، این کتابخانه که در جهان از شهرت و آوازه برخوردار می‌باشد، چگونه است که برای اداره آن با مشکلات جدی مواجه هستیم. خداگواه است برای من و هر ایرانی باعث غرور و افتخار است که چنین مجموعه عظیم از ذخایر اسلامی را در اختیار دارد.

بگذریم، با خود اندیشیدم که بحمدالله دعای خیر مؤسس و بنیانگذار کتابخانه پیوسته شامل حال بوده و مشکلات تا حدودی مرتفع شده، ان شاء الله از این پس نیز برطرف می‌شود. غیر از میهمانان برجسته سیاسی، رؤسای ده کتابخانه بزرگ جهان نیز در این مراسم حضور داشتند، از جمله: اینجانب به عنوان مسؤول و رئیس کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، رئیس کتابخانه کنگره آمریکا، رؤسای کتابخانه‌های لندن، پاریس، رم، مادرید، آلمان، کانادا، مسکو، توکیو و برخی دیگر از کشورها و نیز اینجانب به عنوان تنها فرد دعوت شده از ایران و منطقه آسیای میانه آن هم به علت آشنایی مسؤولان مربوطه کتابخانه اسکندریه با نام کتابخانه ما بوده است.

به هر حال، در این مراسم چند نفر سخنانی هر یک به مدت ۳ تا ۵ دقیقه ایراد نمودند، و سرانجام مراسم به پایان

رسید و از میهمانان یک به یک برای شرکت در مراسم رسمی ضیافت شام حسنی مبارک و همسرش (به افتخار میهمانان) دعوت به عمل آمد تا در این مراسم که در قصر ریاست جمهوری در اسکندریه برگزار می‌شد، شرکت کنند. اینجانب به علت برخی مسائل غیر شرعی در این مراسم شرکت نکردم و به ناچار به هتل محل اقامت خود مراجعت نمودم. قبل از مراسم اینجانب با چند تن از مسؤولان بلندپایه کتابخانه‌های بزرگ جهان آشنا شدم و جهت همکاری متقابل با برخی از آنها تبادل نظر شد و مصرا نه از من می‌خواستند تا مقدمات سفر برخی را برای بازدید از کتابخانه خودمان فراهم نمایم. همچنین آنان با اشتیاق زیاد مایل بودند که سفری به کشورهای آنان به منظور بازدید از کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی داشته باشم که ضمن قبول دعوت، آن را به فرصتی مناسب موکول نمودم.

جالب است که نام کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در خارج از میهن اسلامی ما شناخته شده‌تر از داخل کشور است، و دلیل آن آشنایی اکثر شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی کشورهای مختلف جهان با این کتابخانه می‌باشد.

### برخی از نسخه‌های خطی نفیس کتابخانه اسکندریه

دکتر یوسف زیدان مدیر مسؤول بخش نسخه‌های خطی کتابخانه اسکندریه و استاد فلسفه اسلامی در دانشگاههای مصر در مورد نسخه‌های خطی این کتابخانه اظهار داشت: کتابخانه جدید اسکندریه بایستی به میراث مکتوب اهمیت بخشد و با آنکه بیشترین نسخه‌های خطی آن به عربی است، لیکن در واقع این مجموعه‌ها مربوط به تمدنهای مختلف بشر و شامل تشریح تمدن یونان می‌باشد. اینجانب از وی سؤال کردم نسخه‌های مهم و نادر این کتابخانه را نام ببرید. در پاسخ گفت:

۱. کتاب المقدمه ابن الصلاح، در حدیث، تألیف تقی‌الدین ابی‌عمر و عثمان بن عبدالرحمن متوفی ۶۴۳ هـ که به خط نسخ عبدالملک بن تاج‌الدین کتابت شده است. اهمیت این نسخه در این است که در زمان مؤلف کتابت شده و سماع بر مؤلف و بر جمعی دیگر از علمای بزرگ حدیث از جمله ابن عساکر، ابن العباس، احمد بن سعاده دارد.

۲. کتاب مقدس انجیل شامل متون عصر جدید که به سال ۱۰۴۷ هـ / ۱۶۳۷ م نگاشته شده.

## میراث شهاب

و شامل موضوعات: تفسیر و علوم قرآن، حدیث، اصول فقه، تصوف، فرقه‌های اسلامی، ادعیه، اخلاق، فلسفه و منطق، ادب، بلاغت، عروض، تاریخ و جغرافیا، طب، فیزیک، اخترشناسی، ریاضیات، موسیقی و آداب بحث و مناظره می‌باشد. تاکنون چند جلد از فهرست نسخه‌های خطی این مجموعه چاپ و منتشر شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنم:

۱. المكتبة البلدية فی الاسكندرية از احمد ابوعلی در ۶ جلد چاپ اسکندریه سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۹م.

۲. کتابخانه فاروق اول در اسکندریه، از محمدالبشیر الشندی چاپ قاهره سال ۱۹۵۱م.

۳. فهرس بعض المخطوطات الغربية المودعة بمكتبة بلدية الاسكندرية منذ انشائها سنة ۱۸۹۲م إلى سنة ۱۹۳۰، از: محمدالبشیر الشندی در دو جلد چاپ اسکندریه سالهای ۱۹۵۴ و ۱۹۵۵م.

۴. فهرس اللغات والآداب بمكتبة بلدية الاسكندرية، چاپ اسکندریه، سال ۱۹۵۵م در ۳۵۳ صفحه.

۵. فهرس التاريخ والجغرافيا بمكتبة بلدية الاسكندرية، چاپ اسکندریه سال ۱۹۵۶م.

۶. فهرس العلوم الاجتماعية بمكتبة بلدية الاسكندرية، چاپ اسکندریه سال ۱۹۵۶م.

۷. فهرس العلوم الدينية والروحانية بمكتبة بلدية الاسكندرية، چاپ اسکندریه سال ۱۹۶۰م.

ضمناً در داخل این کتابخانه قبلاً کارت برگه‌هایی از نسخه‌های خطی آن وجود داشته که شامل نام و مؤلف کتاب، موضوع، آغاز و انجام، تاریخ وفات مؤلف، تاریخ کتابت و نوع خط و جلد بوده است. همچنین مقالات چندی در خصوص این کتابخانه در برخی مجلات عربی از جمله مجله معهد المخطوطات العربية آمده است.

نظر به اهمیت برخی از نسخه‌های خطی این کتابخانه که تمامی آن به کتابخانه جدید اسکندریه منتقل شده است به ترتیب زیر برمی‌شماریم. بدیهی است محدوده نسخه‌های نفیس آن بیش از این نسخه‌هایی است که ذیلاً معرفی می‌نماییم:

الارجوزة المنهية على اسماء القراء والرواة واصول القراءات، از ابی عمرو عثمان بن سعید الدانی القرطبی ابن الصیرفی الاموی المنیری، متوفی ۴۴۴هـ، کتابت در سده ۷هـ، ۵۰ برگ.

ش «۳۳۶۸ ج، ف ۲۶۱»

۳. کتاب زیج جامع از کوشیار بن لبان بن باشهری جیلی اخترشناس مشهور اسلامی، نسخه به خط صاعد بن یحیی بن الفضل تکریتی مهندس مورخ ۵۶۶هـ / ۱۱۷۱م.

۴. کتاب المدونة در فقه مالکی در ۴ جلد که بر روی پوست به خط مغربی در سالهای ۴۹۹ تا ۵۳۰هـ کتابت شده است. این مجموعه دربرگیرنده ۳۸ کتاب از مدونه می‌باشد. بر روی برخی از برگهای این ۴ جلد دست‌خط عبدالوهاب شعرانی مشهود می‌باشد. جلد دوم این کتاب به خط یوسف بن عبدالجبار بن عمر العبدری به سال ۵۰۹هـ آن را کتابت کرده است.

۵. کتاب مراسم اکبریة به فارسی شامل مجموعه قوانین سلطان اکبرشاه مغول، متوفی ۱۰۱۴هـ / ۱۶۰۵م، تألیف ابوالفضل بن مبارک علامی، وزیر و کاتب اکبرشاه که طی آن قوانین و مقررات سیاسی را که اکبرشاه پادشاه هند آن را برای سامان بخشیدن میان اتباع دیانات مختلف هند در سده ۱۱هـ وضع کرده است.

۶. مجموعة الرسائل فی العلوم الحديثة دربرگیرنده تصاویری از ادوات هندسی و نجوم و تلسکوپها و تجهیزات جراحی و اشکال تجسمی گیاهان و نباتات، نقشه قاره‌های جهان، به روش معاصر و نه به روش صورت تراشی که در نظریات ادیسی، مؤلف نزهة المشتاق و ابن حوقل و دیگر جغرافی‌دانان قدیم مشهود است. چنین برمی‌آید که مؤلف کتاب که ناشناخته است، اخترشناس بوده و افلاک را بر نظریه کوپرنیکوس «نیکوس» سپس به روش بطلمیوس و آن گاه به روش «نیکونیوس» استوار ساخته است. این نسخه مراحل تطور علم نجوم و اخترشناسی را نشان می‌دهد. کتابت این نسخه مراحل تطور علم نجوم و اخترشناسی را نشان می‌دهد. کتابت این نسخه سال ۱۲۲۵هـ / ۱۸۱۰م. ۷. الكواكب الدرية فی مدح خیر البرية. لازم به یادآوری است، بیشترین نسخه‌های خطی کتابخانه جدید اسکندریه نسخه‌هایی است که از کتابخانه شهرداری اسکندریه به این کتابخانه منتقل گردیده است. بر این اساس در مورد کتابخانه شهرداری اسکندریه و برخی از نسخه‌های خطی نفیس آن گزارشی به شرح زیر خواهیم آورد:

کتابخانه شهرداری اسکندریه در سال ۱۸۹۲م به منظور استفاده پژوهشگران و دانشجویان دانشگاه در شهر اسکندریه تأسیس گردیده است. تعداد نسخه‌های خطی آن بالغ بر ۴۶۲۴ جلد بوده و بیشتر آن به زبان عربی و اندکی فارسی و ترکی است



الإشارة الوفية إلى الخصوصيات الاشرفية، از محمد بن يوسف باعونی دمشقی، متوفی ۹۱۰ هـ، کتابت در سده ۱۰ هـ.

الاكتفاء في مغازی المصطفی (ص) و مغازی الثلاثة الخلفاء، تألیف حافظ ابی الربیع سلیمان بن موسی الکلاعی، متوفی ۶۳۴ هـ، کتابت سال ۹۸۶ هـ، به خط مغربی در ۳۰۰ برگ.

ش «۱۱۱۸ ب»

تاریخ ثغر عدن، از قاضی ابی عبدالله محمد طیب بن عبدالله بن احمد بن علی بن مخرمه، متوفی ۹۰۳ هـ، کتابت سال ۱۲۹۵ هـ. ش «۳۶۳۲ ج»

تاریخ صناعا، از اسحاق بن جریر صنعانی، مورخ سال ۹۹۲ هـ.

التاریخ المظفری، از شهاب‌الدین ابراهیم بن عبدالله معروف به ابن ابی‌الدم الحموی، متوفی ۶۴۲ هـ، کتابت در سده ۹ هـ.

ش «۱۲۹۲ ب»

تحفة الاحباب فی منطق الطیر والدواب، از شمس‌الدین محمد بن علی بن محمد مشهور به ابن طولون صالحی، متوفی ۹۵۳ هـ، نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۹۴۲ هـ، ضمن مجموعه شماره «۲۲۰۸ در ۹».

التدوین فی ذکر اخبار قزوین،<sup>۱</sup> تألیف ابی‌القاسم عبدالکریم بن محمد بن عبدالکریم رافعی قزوینی، متوفی ۶۲۳ هـ، کتابت در سده ۷ هـ. ش «۸۱۰ ب»

ترجمة الشيخ ابی‌الحسن علی التیمی الشوشتری، متوفی بعد از سال ۶۸۸ هـ، کتابت در سده ۸ هـ. ش «۱۶/۳۰۲۴»

التعریف فی فن التصحیف، تألیف محمد بن علی بن محمد بن طولون صالحی دمشقی حنبلی، متوفی به سال ۹۵۳ هـ، نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۹۴۰ هـ. ش «۲۲۰۸»

التکملة لوفیات النقلة، تألیف حافظ ابی‌محمد عبدالعظیم بن عبدالقوی ملقب به زکی‌الدین منذری شامی مصری شافعی، متوفی ۶۵۶ هـ، کتابت در سده ۸ هـ، به خط محمد بن سراقه الشاطبی. و تملک ابن العماد به سال ۷۹۴ هـ. ش «۱۹۸۲»

تواریخ الشعراء إسلاماً و جاهلیة، منسوب به جمال‌الدین محمد بن مکرم انصاری معروف به ابن منظور افریقی، متوفی ۷۱۱ هـ، کتابت سال ۱۱۷۸ هـ، در ۲۹۱ صفحه به خط نسخ عمرالصیداوی.

ش «۶۱۳ ب»

تهذیب الاسماء واللغات، از نووی، به خط ابوبکر سلمی به سال ۷۴۵ هـ.

ثبت الدوانی، از جلال‌الدین محمد بن اسعد صدیقی دوانی،

متوفی ۹۲۸ هـ، در ۲۰ برگ. ش «۳۱۸۲»

الجامع لاخلاق الراوی و آداب السامع، تألیف ابی‌بکر احمد بن علی بن ثابت معروف به خطیب بغدادی، متوفی ۴۶۳ هـ، کتابت سال ۵۰۰ هـ، در ده جزء.

ش «۳۷۱۱»

جهينة الاخبار فی ملوک الامصار، تألیف بدرالدین ابی‌محمد حسن بن عمر بن حبیب دمشقی حلبی شافعی، متوفی به سال ۷۷۹ هـ، کتابت سال ۱۲۵۷ هـ. ش «۵۱۵۷ ج»

الحجة فی علل القراءات، تألیف ابی‌علی فارسی، متوفی ۳۷۷ هـ، کتابت سال ۳۹۰ هـ، در ۴۲۷ برگ، شامل ۶ جلد.

ش «۳۵۷۰ ح»

الحجة فی قراءات الاثمة السبعة من اهل الامصار الخمسة المعروفین بصحة النقل و إتقان الخفظ المأمونین فی الروایة، تألیف حسین بن احمد بن خالویه نحوی لغوی، متوفی ۳۷۰ هـ، کتابت سال ۴۹۶ هـ. ش «۱۳۴/قراءات»

الحدود والفروق، تألیف ابی‌الحسن سعید بن هبة‌الله بن حسن، متوفی ۴۹۵ هـ، کتابت در نیمه دوم سده ۵ هـ، در عصر مؤلف. ش «۲۰۱۷/فلسفه»

خلاصة السير الجامعة لعجائب اخبار الملوك التبابعة، تألیف ابی‌الحسن نشوان بن سعید بن سعد بن سلامة الحمیری، متوفی ۵۷۳ هـ، کتابت سال ۱۱۱۷ هـ، در ۱۵۳ برگ. ش «۲۰۳۸ د»

در الحجب فی تاریخ اعیان حلب، تألیف رضی‌الدین محمد بن ابراهیم بن یوسف الحلبی معروف به ابن الحنبلی، متوفی ۹۷۱ هـ، کتابت سال ۱۲۷۱ هـ، به خط احمد المرتینی یکی از علمای حلب سوریه.

ش «۳۶۱۴ ج»

در التيجان و غرر تواریخ الزمان، تألیف ابی‌بکر بن عبیدالله بن ایبک الصرخدی الداودار، از علمای اوائل سده ۸ هـ، نسخه اصل به خط مؤلف در ۲۵۰ برگ. ش «۳۸۱۸ ج»

دستور الاعلام بمعارف الاعلام، از جمال‌الدین محمد بن عزم مغربی تونس، ساکن مکه، متوفی ۸۹۱ هـ، کتابت سال ۱۳۰۳ هـ. ش «۱۹۴۲ ب»

دیوان عمر بن مسعود سراج‌الدین المجان الكنانی، متوفی به سال ۷۰۰ هـ، کتابت سال ۷۴۷ هـ، خط نسخ.

الربع المقنطر فی المیقات، از علی بن فضل‌الله بن محمد مرعشی، متوفی بعد از ۱۱۴۰ هـ، کتابت در سده ۱۲ هـ، در

۱. نسخه‌های دیگر مورخ سال ۶۶۶ هـ و نسخه سوم مورخ ۸۹۰ هـ به شماره‌های «۱۰۰۷» و «۲۰۱۰» در کتابخانه لاله لی در استانبول موجود می‌باشد.

## میراث شهاب

شهر مرعش،<sup>۱</sup> به خط محمد بن حاجی عمر بن حاجی مصطفی. ش «۵۱۸۱ ج / ۱۰»  
رجال صحیح مسلم، از حافظ ابی بکر احمد بن علی بن ابراهیم بن منجویة اصفهانی یزدی، ساکن نیشابور، متوفی ۴۲۸ هـ، کتابت سال ۶۶۴ هـ، در مدرسه کاملیه قاهره، به خط محمد بن علی توزری، ۲۱۰ برگ. ش «۱۲۴۰ ب»  
الرد علی المعطله، تألیف ابی عبدالله محمد بن علی بن حسن بن شیر المؤذن معروف به حکیم ترمذی از علمای سده ۳ هـ، کتابت سال ۵۹۳ هـ، به خط محمد بن هبة الله بن محمد بن ابی جرادة معروف به ابن العدیم، ضمن مجموعه ای به شماره «۳۵۸۵ ج» از برگ «۸۰ تا ۱۲۵».

رسالة فی بیان طبقات المجتهدین، از احمد بن سلیمان معروف به ابن کمال پاشا، متوفی ۹۴۰ هـ، کتابت در سده ۱۱ هـ.

ش «۲۲۸۴ ج»  
الرفاق، تألیف عبدالله بن مبارک بن واضح حنظلی مروزی، متوفی ۱۸۱ هـ، کتابت سال ۴۶۶ هـ، به خط مغربی.

ش «۱۳۳۱ ب»  
روح الروح فیما حدث بعد المائة التاسعة من الفتن والفتوح، از نورالدین عیسی لطف الله یکی از تاریخ نگاران سده ۱۱ هـ.

الزیج الجامع، از کوشیار بن لبان جیلی، نسخه مورخ ۵۶۶ هـ. سلم السماء والآفاق فی الربع المجیب، از علی بن فضل الله بن محمد مرعشی، متوفی بعد از سال ۱۱۴۰ هـ، کتابت در سده ۱۲ هـ، ضمن مجموعه ش «۵۱۸۱ ج / ۱۱».

سنن المهتدی إلى مفاخر الوزير ابی العباس الیحمدی، تألیف علی بن احمد بن قاسم بن موسی معروف به مصباح الذرویلی، از علمای نیمه نخست سده ۱۲ هـ، کتابت سال ۱۲۸۲ هـ، در ۵۰۰ صفحه. ش «۳۳۴۹ ج»

شرح التذکره النصریه فی علم الهيئة، از علی بن محمد بن علی معروف به میر سید شریف جرجانی، متوفی ۸۱۶ هـ، کتابت سال ۸۷۹ هـ. ش «۱۳۵۴ د»

شعر سلامة بن جندل، روایت ابی سعید اصمعی از ابی عمرو شیبانی، کتابت سال ۴۹۴ هـ. ش «۸۳۵ ب»

صحیح مسلم ۱۳ جزء در یک جلد، تألیف مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری نیشابوری، متوفی ۲۶۱ هـ، کتابت سال ۳۶۸ هـ، در ۲۳۷ برگ. ش «۸۳۶ ب»

الطالع السعید الجامع لاسماء نجباء الصعید، از ادفوی، متوفی

به سال ۷۴۸ هـ.

طبقات الحفاظ، از عبدالرحمن سیوطی، متوفی ۹۱۱ هـ، دارای خط مؤلف.

طبقات الحنفیه، مؤلف ناشناخته، کتابت سال ۱۱۴۰ هـ، ۱۰۰ برگ. ش «۳۸۰۲ ج»

طبقات الفقهاء، از ابی عاصم محمد بن احمد عبادی، متوفی ۴۵۸ هـ، کتابت در سده ۱۰ هـ. ش «۲۴۳۶ د / ۴»

طبقات فقهاء جبال الیمن و عیون من اخبار سادات رؤساء الزمن و معرفة انسابهم و مبلغ اعمارهم و وقت وفاتهم، تألیف عمر بن علی بن سمره بن حسین جعدی، متوفی ۵۸۶ هـ. ش «۳۶۵۰ ج»

طبقات فقهاء الیمن و عیون من اخبار سادات رؤساء الزمن، از ابی حفص عمر الیمنی، متوفی به سال ۵۸۶ هـ.

طبقات المجتهدین، از شمس الدین احمد بن سلیمان بن کمال پاشا، متوفی ۹۴۰ هـ، کتابت در سده ۱۱ هـ.

ش «۳۶۵۸ ج»  
العبر فی اخبار من عبر، تألیف عبدالعزیز بن محمد بن عبدالرحمن الکویک الشافعی الذهبی، کتابت سال ۹۷۰ هـ، در ۱۰۰ برگ. ش «۲۸۲۳ د»

العقود الدریه فی الامراء المصریه، تألیف محمد بن علی بن طولون صالحی، متوفی ۹۵۳ هـ، نسخه اصل به خط مؤلف، سال ۹۴۲ هـ. ش «۲۲۰۸ د»

کتاب الفروق، نسخه کهن مورخ سال ۵۹۱ هـ، به خط ابن ابی جرادة.

فضائل مکه المشرفة، از حسن بصری، متوفی ۱۱۰ هـ، کتابت در سده ۱۲ هـ. ش «۱۸۸ ج / ۳»

قصص الانبیاء = قصص الاخبار، از ابی عبدالله وهب بن منبه یمانی، متوفی ۱۱۰ هـ، کتابت سال ۶۶۶ هـ، در ۲۰۰ برگ.

ش «۱۲۴۹ ب»  
الکاشف فی اسماء الرجال، شمس الدین ذهبی، نسخه کهن.

الکشف الغیوبی فی طبقات الشرنوبی، تألیف شیخ محمد بلقینی تلمیذ احمد شربونی، متوفی ۹۹۴ هـ. ش «۲۰۴۸»

۱. شهر مرعش در حدود مرزهای ترکیه و سوریه واقع شده و از قبل از اسلام تا عصر حاضر بوده و هست. تمامی سادات مرعشی منسوب به سید علی مرعشی از نوادگان حضرت امام سجاد علیه السلام می باشند که در آن شهر می زیسته و در اواخر عمر به سوی ایران آمده و نسل او در ایران در شهرهای مختلف از جمله طبرستان، گیلان، شوشتر، اهواز، رفسنجان، قزوین، تبریز، دماوند پراکنده شده اند.

لب اللباب فی تحریر الانساب، از سیوطی، به ضمیمه ذیل آن از عجمی.

مجمل اللغة، از ابن فارس، نسخه مورخ سال ۶۰۱ هـ.  
محاسن المجالس، از ابی‌العباس احمد بن موسی صنهاجی اندلسی، متوفی ۵۳۶ هـ، کتابت سال ۸۷۷ هـ.

ش «۱۰۰۰ ب»  
مختارات الاغانی، از ابن منظور، مؤلف لسان العرب، نسخه اصل به خط مؤلف.

المدونة، کتابت در اوائل سده ۶ هـ، بر روی پوست آهو، این نسخه را عبدالوهاب شعرانی خوانده و تصحیح کرده است. مسالک الابصار، جلد ۱۲، از ابن فضل‌الله العمری، شامل حیوانات و نباتات، نسخه دارای تصاویر رنگین نباتات و حیوانات.

مشیخة ابی‌المواهب، از ابوالمواهب محمد بن عبدالباقی بن عبدالباقی بن عبدالقادر حنبلی ازهری دمشقی مفتی حنابله در دمشق، متوفی ۱۱۲۶ هـ، کتابت در سده ۱۲ هـ.

ش «۲۲۶۲ ج»  
المغرب فی اللغة،<sup>۱</sup> از مطرزی.

المغنی فی اصول‌الدین، تألیف ابی‌سعید عبدالرحمن بن مأمون، متولی شافعی استاد مدرسه نظامیه بغداد، متوفی ۴۷۸ هـ، کتابت سال ۴۷۸ هـ. ش «۲۰۱۴ / ۱ د»

مناقب او وصایا الشیخ ابی‌یزید البسطامی، مؤلف ناشناخته، کتابت سال ۱۳۰۵ هـ، به خط نسخ. ش «۳۷۱۶ ج»

منتخب من تاریخ ابن‌الشنه، از محمد بن احمد بن محمد الحصکفی معروف به ابن‌المنلا الحلبی، متوفی ۱۰۱۰ هـ، کتابت در سده ۱۲ هـ. ش «۳۷۹۹ ج»

منهل الاولیاء و مشرب الاصفیاء من سلالة الموصل الحدباء یا فی سادات الموصل الحدباء، تألیف محمد امین بن خیرالله خطیب عمری، متوفی ۱۲۰۳ هـ، کتابت سال ۱۲۶۷ هـ.

ش «۳۶۳ ب»  
نزهة الناظرین فیمن ولی مصر من الخلفاء والسلطین، تألیف زین‌الدین مرعی بن یوسف بن ابی‌بکر بن احمد کرمی مقدسی حنبلی، متوفی ۱۰۳۳ هـ، کتابت در سده ۱۱ هـ، در ۶۰ برگ.

ش «۱۴۱۶»  
نشر اللطائف فی قطر الطائف، از نورالدین علی بن محمد بن عراق حجازی مدنی کنانی، متوفی ۹۶۳ هـ. ش «۳۷۸۳ ج»

نشر المحاسن الغالیة فی فضل مشایخ الصوفیة اولی المقامات العالیة، از عقیف‌الدین عبدالله بن اسعد یافعی شافعی، متوفی ۷۶۸ هـ، کتابت سال ۹۱۴ هـ، به خط نسخ. ش «۵۴۹۳ ج»  
نظام الغریب فی اللغة، از عیسی‌الرابعی، نسخه نایاب و نفیس. برخی کتابهای چاپی کهن نیز برای این کتابخانه خریداری شده که از جمله آنها ۴۱ کتاب نادر همچون کاتالوک موزه فلورانس چاپ فرنیسکانی سال ۱۱۴۶ هـ، کتاب الفن العربی شامل آثار قدیم قاهره از سده ۱ و ۲ هـ، در ۳ جلد، کتابت وصف مصر چاپ قدیم و اصلی، مجموعه از کتابهای چاپ قدیم مسکو شامل ۱۰۰ عنوان در ۱۲۳ جلد. از آخرین اشیای نفیس نادر که به کتابخانه رسیده است، دو قطعه از پارچه کعبه معظمه است که از سوی ملک عبدالعزیز آل سعود به سال ۱۹۲۶ میلادی به طلعت‌پاشا پادشاه مصر هدیه شده است. این اثر نفیس را نوه طلعت‌پاشا «محمد حسون» به کتابخانه اسکندریه اهدا کرده است و گروهی از مرمت‌کاران آن را ترمیم نموده‌اند.

دکتر یوسف زیدان مجدداً اظهار داشت: نسخه‌های خطی نفیس قرآن کریم در کتابخانه اسکندریه در یک سالن نمایش دائمی قرار دارد و تاکنون بسیاری از نسخه‌های نفیس قرآن کریم را خریداری کرده‌ایم، از جمله قرآن خط نسخ مورخ ۱۲۳۸ هـ، نسخه مذهب. نسخه دیگر مورخ سال ۱۲۱۲ هـ، به خط مغربی و مذهب، نسخه دیگر مورخ ۱۲۱۴ هـ، به خط نسخ و غیر آنها.

لازم به یادآوری است، این گونه نسخه‌های قرآن کریم در کتابخانه‌های ایران به وفور یافت می‌شود، زیرا از نفاست آن چنانی برخوردار نیستند. در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - رحمت‌الله علیه - قرآنهای بسیار نفیس و نادر و ارزشمند وجود دارد که قابل مقایسه با قرآنهای یاد شده نیست، اما متأسفانه کیست که قدر و قیمت این نسخه‌های خطی نفیس را در کشور اسلامی ما بدانند. واقعاً به مصداق: «آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم»، آن گونه که باید به این گونه نسخه‌ها و کتابخانه‌ها در ایران از سوی مسئولان مربوطه توجه نمی‌شود. کیست که نداند کتابخانه عظیمی را که

۱. یک نسخه بسیار کهن و نفیس مورخ سده ۶ هـ، در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود می‌باشد، این نسخه را اینجانب دو سال قبل برای این کتابخانه خریداری نمودم و ظاهراً قبلاً در بخارا بوده است.

کتابخانه جدید اسکندریه شامل مجموعه نسخه‌های کتابخانه شهرداری اسکندریه است که بالغ بر شش هزار جلد نسخه خطی است،<sup>۱</sup> بخشی از این مجموعه در دو جلد از سوی محمد بشیر الشندی با عنوان، «فهرس بعض المخطوطات العربیة المودعة بمکتبة بلدية الاسکندریة» فهرست شده که جلد اول آن به سال ۱۳۷۳ هـ / ۱۹۵۴ م شامل نسخه‌های قرآن، تفسیر و علوم قرآنی، نحو، بلاغت، لغت، عروض و قوافی، و جلد دوم آن به سال ۱۳۷۴ هـ / ۱۹۵۵ م شامل فقه مالکی، شافعی، حنبلی، تصوف، فرقه‌های اسلامی و ادیان، ادعیه، منطق، حکمت، اخترشناسی، اخلاق، آداب بحث و مناظره، سیره نبوی، تاریخ، جغرافیا، طب، کیمیا و طبیعیات، ریاضیات، موسیقی و فنون نظامی، چاپ و منتشر گردیده است. و از حدود دو سال قبل به کتابخانه جدید منتقل شده است. همچنین نسخه‌های خطی موجود در مسجد ابوالعباس المرسی که حاوی ۲۷۰۰ جلد نسخه خطی می‌باشد، به ضمیمه نسخه‌های خطی معهد دینی سموحه که تعداد آن بالغ بر ۱۸۸۱ نسخه است، زیر نظر هیأت مذکور قرار گرفت. و در نهایت به کتابخانه جدید منتقل گردیده است. همچنین ۲۰۰ نسخه خطی اهدائی دکتر مصطفی محمود به کتابخانه جدید که نسخه نفیسی از مثنوی جلال‌الدین رومی در بین آنها موجود می‌باشد. در نظر است در آینده برخی از نسخه‌های نفیس و نایاب کتابخانه چاپ و منتشر شود، از آن جمله: «مقالة فی ماهیة الاثر الذی یدو علی وجه القمر» تألیف ابن الهیثم که بزودی تحقیق و منتشر خواهد شد.

تاکنون ۶ جلد از فهرس نسخه‌های خطی کتابخانه شهرداری اسکندریه و ۲ جلد فهرست نسخه‌های خطی مسجد ابوالعباس المرسی و ۲ جلد فهرست معهد دینی سموحه چاپ و منتشر گردیده است. همچنین هیأت فوق فهرستی از نسخه‌های نادر کتابخانه شهرداری اسکندریه را نیز منتشر

۱. کتابخانه شهرداری اسکندریه به سال ۱۸۹۲ م تأسیس شده و آن گونه که در منابع موجود آمده تعداد نسخه‌های خطی آن بالغ بر ۴۰۰۰ جلد بوده است، لیکن آماري که در بولتنهای کتابخانه جدید اسکندریه آمده و ما آمارهای فوق آن را نقل کرده‌ایم، تعداد نسخه‌های خطی کتابخانه شهرداری اسکندریه را بالغ بر ۶۰۰۰ جلد آورده‌اند، متأسفانه مشخص نیست اختلاف ۲۰۰۰ جلد از کجا ناشی شده است. و همان گونه که در همین گزارش اشاره کرده‌ام برخی از آمارهای ارائه شده با یکدیگر اختلاف فاحش دارد و نمی‌دانیم کدام مقرون به صحت می‌باشد.

پدر بزرگوارم با خون جگر و تحمل سختیها آن را در طول زندگانی خود جمع‌آوری و سرانجام در طبق اخلاص نهاد و به رایگان تقدیم جامعه اسلامی نمود تا همگان از آن بهره‌گیرند، در حال حاضر از لحاظ نسخه‌های خطی اسلامی نخستین کتابخانه کشور و سومین کتابخانه جهان اسلام به شمار می‌آید. خواننده عزیز، ملاحظه کنید حکومت مصر برای ساخت و راه اندازی یک کتابخانه چه تبلیغات وسیعی را در جهان به راه انداختند و در مراسم افتتاح آن بیش از بیست رئیس جمهور و رئیس دولت شرکت کردند. بیش از پانصد خبرنگار خارجی برای پوشش خبر مراسم از گوشه و کنار جهان دعوت شدند. چه سرمایه‌ای در آن نهفته است؟ جز چند نسخه خطی نفیس و تعدادی نسخه‌های معمولی و چند قطعه اشیای قدیمی.

در کتابخانه بزرگ ما تا این لحظه بالغ بر ۶۵۰۰۰ عنوان شامل ۳۵۰۰۰ جلد نسخه خطی وجود دارد که بیشترین آنها در جهان هم‌تا ندارند. واقعاً باعث تأسف است که برای اداره چنین کتابخانه‌ای که هر روز شخصیت‌های برجسته سیاسی، علمی، مذهبی و اجتماعی کشورهای جهان از آن بازدید و موجب شگفتی آنان می‌شود، بایستی با مشکلات عدیده مواجه باشیم.

ملاحظه کنید در این گزارش که قبلاً یادآور شدم در بیانیه رئیس جمهور مصر آمده است که بودجه کتابخانه هر آنچه مورد نیاز باشد بایستی دولت تأمین کند و هر چه کتاب و نسخه خطی به دست آورند آن را خریداری کنند. آیا کشور ما فقیرتر از مصر است؟ بارها میهمانان خارجی ما اظهار داشته‌اند اگر کتابخانه آیت‌الله مرعشی در غرب می‌بود، تندیس بنیانگذار آن را در چند جای آن کشور به منظور قدردانی از آن شخصیت بزرگ فرهنگی نصب می‌کردند. حاشا و کلا. بگذریم درددلی بود که از دل برآمد و قلم آن را بر صفحه جاری ساخت با پوزش از شما خواننده عزیز.

مدیریت کتابخانه و مسؤول نسخه‌های خطی به منظور خریداری و جمع‌آوری و تهیه فهرست‌هایی از نسخه‌های خطی نفیس و میکروفیلم و اسناد دستنویس آن هیأتی را از بین خبرگان و کارشناسان مربوطه که دوره‌های کتابشناسی و نسخه‌شناسی مخطوطات را گذرانیده‌اند، انتخاب و آنان با سرعت دست به کار شدند. مجموعه نسخه‌های خطی موجود

نموده و تاکنون ده هزار نسخه خطی را میکروفیلم کرده‌اند. و نیز از سال قبل از طریق اهدا و خریداری تاکنون بالغ بر ۱۲۰۰ کتاب نادر چاپی کهن از اوایل صنعت چاپ را جمع‌آوری نموده‌اند که در این بخش، شش نفر که با شش زبان عربی، انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی، ایتالیا، آلمانی آشنایی دارند، آنها را فهرست می‌کنند.

بخش مرمت نیز از پنج سال قبل فعالیت خود را آغاز کرده و از سوی دولت ایتالیا یک کمک مالی و بورسیه کردن چند کارشناس را تعهد کرده است، همچنین چند کارشناس دیگر را کتابخانه به منظور آموزش تهیه تصویر دیجیتالی از نسخه‌های خطی به فرانسه اعزام نموده است. در بخش مخطوطات نیز شش نفر دیگر مسلط به زبانهای اروپایی وجود دارد.

از دیگر مسؤولیتهای مهم هیأت در بخش مخطوطات، بایستی پس از خرید و دریافت نسخه‌های خطی سریعاً اطلاعات کتابی آن به رایانه وارد شود. تاکنون ۱۳۳ هزار کتاب وارد رایانه شده. بخش خرید مسؤولیت هرگونه خرید اعم از خطی، چاپی و اشیای هنری را بر عهده دارد که با بهترین و بالاترین بها نسخه‌ها را خریداری می‌کنند.

### مطبوعات و خبرگزاریها

مطبوعات کشورهای عربی و اسلامی و اروپایی و نیز خبرگزاریهای رسمی بزرگ گزارشات قبل و بعد از افتتاح این کتابخانه را به طور گسترده پوشش دادند. گزیده برخی از گزارشات آنان را به ترتیب زیر برمی‌شماریم:

۱. روزنامه السفير از لبنان، پنجشنبه ۸۱/۷/۱۱: مبلغ ۶۵ میلیون دلار برخی از کشورهای تعهد نمودند و بنا بود در سال ۱۹۹۵م افتتاح شود که به علت جنگ خلیج فارس به تأخیر افتاد و مجدداً به سال ۲۰۰۰م افتاد و دوباره به علت آماده نشدن برخی از تجهیزات آن به سال ۲۰۰۱م موکول گشت، و آن نیز به علت حملات گسترده اسرائیلیهای ضد مردم فلسطین به تأخیر افتاد و سرانجام در ۱۶ اکتبر سال ۲۰۰۲م افتتاح گردید.

۲. روزنامه الاهرام «قاهره»، پنج شنبه ۱۱ شعبان ۱۴۲۳ ه: نخستین جلسه هیأت امنای کتابخانه به ریاست خانم سوزان مبارک، همسر رئیس جمهور مصر پس از افتتاح کتابخانه تشکیل شد. این هیأت ۲۲ عضو دارد به اضافه وزیر

علوم عالی، وزیر فرهنگ، وزیر امور خارجه، استاندار و رئیس دانشگاه اسکندریه.

و در جای دیگری از این روزنامه چنین آمده: روز ۱۶ اکتبر سال ۲۰۰۲م شاهد تولد دوباره مرکز نورافشانی مصر برای تمدن بشری بودیم. مبلغ ۲۲۰ میلیون دلار، هزینه این ساختمان عظیم شده است که ۶۰ میلیون دلار آن را دولت کویت، امارات، و عراق تأمین کرده‌اند و فرانسه تجهیزات مدرن رایانه‌ای کتابخانه را هدیه داده است. در جای دیگر این روزنامه نیز چنین آمده است: رئیس جمهور مصر دیروز کتابخانه جدید اسکندریه را با حضور ۸۰۰ نفر از شخصیت‌های برجسته سیاسی و فرهنگی کشورهای جهان با پرده‌برداری لوح یادبود کتابخانه و سخنرانی خود افتتاح نمود. در این مراسم، رئیس جمهور یونان، ملکه اسپانیا، ژاک شیراک، رئیس جمهور فرانسه، امیر ترک بن عبدالعزیز و کریم آقاخان، فرماندار کل استرالیا، رئیس جمهور کرواسی، نخست وزیر لبنان، رئیس جمهور رومانی، رئیس جمهور مالدیو، ملکه رانیا همسر پادشاه اردن، وزیر فرهنگ فرانسه، مدیر کل یونسکو، شیخ عبدالله بن زاید، وزیر اطلاعات و فرهنگ امارات و تعدادی از حائزین جایزه صلح نوبل و تنی چند از رؤسای کتابخانه‌های بزرگ جهان حضور داشتند. در آغازین روز پس از افتتاح، تعداد کتابهای چاپی آن بالغ بر ۲۵۰۰۰۰ جلد بوده است.

۳. روزنامه الجمهوریه «مصر»، پنجشنبه ۱۱ شعبان ۱۴۲۳ ه: تمامی هیأت‌های میهمان مراسم افتتاح کتابخانه جدید اسکندریه، رأس ساعت ۴/۳۰ دقیقه بعد از ظهر ۱۶ اکتبر وارد سالن اجتماعات شدند که در میان آنها پطرس عالی دبیرکل سابق سازمان ملل که اصلاً مصری است و مامون عبدالقیوم رئیس جمهوری مالدیو دیده می‌شدند.

۴. سایت الجزیره در دوحه قطر: چندین رئیس جمهور و مسؤولان فرهنگی جهان از جمله رؤسای کتابخانه‌های بزرگ جهان و دستداران کتابخانه اسکندریه در مراسم آغاز به کار آن شرکت داشتند. بیش از ۲۲۵ میلیون دلار هزینه ساختمان آن شده است. دکتر یوسف زیدان مدیر و مسؤول بخش نسخه‌های خطی کتابخانه اظهار داشت: تعداد کتابهای اهدایی به این کتابخانه بالغ ۱۱۹۰۰۰ جلد به ضمیمه ۵۰ نسخه خطی و ۱۰۰ قطعه اشیای قیمتی. آقای خالد غرب، مسؤول روابط

نمی‌رسد وی اسناد مهم و محرمانه را تحویل دهد، مگر اسناد معمولی را. زیرا اگر چنین منظوری داشت، می‌بایست این اسناد را به آرشیو ملی دولتی دارالوثائق القومیه تحویل می‌داد، زیرا بهترین جا برای نگهداری آنها این مرکز خواهد بود.

از سوی دیگر، دکتر یوسف زیدان مدیر و مسؤول بخش نسخه‌های خطی اظهار داشت: بخش نسخه‌های خطی کتابخانه دارای سه سالن جداگانه می‌باشد: ۱. مخزن نسخه‌های خطی شامل نسخه‌های نفیس و نادر؛ ۲. مخزن میکروفیلم؛ ۳. مخزن نسخه‌های خطی اصلی. و این سه سالن مجهز به تجهیزات مدرن می‌باشد.

### آتش‌سوزی در ساختمان جدید کتابخانه اسکندریه

به گزارش خبرگزاریها و چند روزنامه ایرانی، ساختمان جدید کتابخانه اسکندریه که گزارش تفصیلی آن را آوردم، علی‌رغم تجهیزات مدرن و روزآمد به فاصله نزدیک به دو ماه پس از افتتاح رسمی به علت نامشخصی طعمه حریق گردید و چهار طبقه فوقانی از مجموع یازده طبقه آن در آتش سوخت و ویران گردید و ظاهراً آتش پس از چهل و پنج دقیقه مهار شده است. تاکنون علت این آتش‌سوزی اعلام نشده و احتمال عمدی بودن آن رد نشده است. ساختمان بتونی آن کتابخانه با این عظمت چگونه است که آتش در چند دقیقه چهار طبقه آن را ویران کرده است. امید است مسؤولان کتابخانه گزارش دقیق آن را برای اطلاع اصحاب فرهنگ و اندیشه به رسانه‌ها ارائه دهند. هر چه هست خسارت به علم و فرهنگ است. فکر نمی‌کنم هیچ فردی از این گونه حوادث مسرور گردد.

عمومی کتابخانه اسکندریه اعلام داشت: کشورهایی که در آغاز برای این کتابخانه کتاب اهدا نموده‌اند، عبارتند از: فرانسه ۶۷۵۸ جلد، اسپانیا ۵۶۲۳ جلد، عمان ۵۲۱۹ جلد، کانادا ۴۰۶۶ جلد، ترکیه ۳۹۹۵ جلد، یونان ۲۱۴۷ جلد، امارات عربی ۱۳۴۷ جلد، ایتالیا ۱۱۹۳ جلد، آلمان ۱۰۸۳ جلد، ایران ۱۰۶۱ جلد، اردن ۹۳۹ جلد، و پس از آنها چین، انگلستان، ژاپن و نروژ نیز بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ جلد و تونس، سوئد و یونسکو نیز هر کدام ۱۰۰ جلد و جامعة الدول العربیه ۳۳ جلد کتاب اهدا نموده‌اند.

چند روز قبل از افتتاح کتابخانه، نمایشگاهی از نسخه‌های خطی و اسناد عربی و اسلامی دستنویس که در منطقه کاتالونیای اسپانیا بوده و آن را که بالغ بر ۵۲ نسخه خطی و ۱۰۰ سند به این کتابخانه اهدا شده است، ترتیب داده‌اند و در مراسم افتتاح این نمایشگاه فرماندار منطقه کاتالونیای اسپانیا «گوردی بوخول» و دکتر اسماعیل سراج‌الدین حضور داشتند. در این نمایشگاه به جز نسخه‌های یاد شده، تعدادی نسخه خطی قرآن کریم به خط مغربی نیز به نمایش گذاشته شده است.

۵. فرانس پرس از پاریس: ژاک شیراک در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۲م به منظور شرکت در مراسم افتتاح کتابخانه اسکندریه، عازم مصر خواهد شد. کتابخانه اسکندریه قدیم یکی از عجایب هفتگانه قدیم جهان به شمار می‌آمده است.

۶. خبرگزاری رویتر انگلستان: ۸۱/۴/۲۱: محمد حسنین هیکل روزنامه‌نگار برجسته مصری و مدیر روزنامه الاهرام مجموعه‌ای از اسناد سیاسی خود را که در طول زندگانی جمع‌آوری نموده است، به کتابخانه جدید اسکندریه اهدا خواهد نمود. وی گفته است: این اسناد بسیار نایاب و در آرشیو دولتی مصر وجود ندارد و در میان آنها اسنادی از مذاکرات خود با جمال عبدالناصر وجود دارد که در جای دیگری یافت نمی‌شود. محمد حسنین هیکل از نزدیکان جمال عبدالناصر بوده است. دکتر اسماعیل سراج‌الدین رئیس کتابخانه جدید اسکندریه اعلام داشته است: اسناد استاد هیکل بخشی از تاریخ مصر و ثروتی است که بهایی برای آن نمی‌توان در نظر گرفت. در این میان دکتر رؤوف عباس عضو هیأت اسناد دارالکتب یا کتابخانه ملی مصر و استاد تاریخ معاصر در دانشگاه قاهره اظهار داشته است: در مورد اهدای اسناد هیکل به کتابخانه اسکندریه شک دارم، زیرا به نظر

۱. این تعداد را آقای سید صادق خرازی در زمانی که مسؤولیت معاونت پژوهشی وزارت امور خارجه ایران را بر عهده داشت، اهداء نموده است که احتمالاً تعدادی بالغ بر یکصد جلد را اینجانب از سوی کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی -رحمت‌الله علیه- اهدا نموده‌ام، جزء این مجموعه باشد، و اگر چنین نباشد نمی‌دانیم چرا اهدانی این کتابخانه را اعلام ننموده‌اند، با آنکه دکتر یوسف زیدان با تشکر فراوان کتباً به اینجانب اعلام وصول نموده است.